

گزارش «آگاه» درباره تحولات اخیر

تنگه هرمزو و یمن را بخوانید

خون خواهی؛ موتور محرک اقتدار ایران در منطقه

۲

پشت پرده بازار داغ پلتفرم‌های آنلاین طلا چه خبر است؟

طلای مجازی ریسک واقعی

۷

بازتاب فاجعه صبرا و شتیلا در ادبیات و هنر پایداری

زیتون

در خون

۴



همبستگی با هوش مصنوعی



مجتبی مشهدی محمد

دبیر گروه فرهنگ

در روزهای اخیر شبکه‌های اجتماعی ایران، به‌ویژه اینستاگرام، میزبان موجی شده‌که فراتر از یک بازی تصویری ساده است. هزاران نفر با کمک هوش مصنوعی خود را در لباس، مو و فضای دهه ۸۰ میلادی بازسازی کرده‌اند. مردانی با کاکل‌های بلند و کت‌های مخمل، زنانی با فرم‌های رنگی و آرایش خاص آن سال‌ها و حتی چهره‌های آشنای فوتبال و هنر که ناگهان در قابی نوستالژیک ظاهر می‌شوند. این تصاویر با سرعتی چشم‌گیر دست‌به‌دست می‌چرخند و واکنش‌هایی از خنده و تحسین تا یادآوری خاطرات خانوادگی را برانگیخته‌اند. اما آنچه این پدیده را از یک ترند گذرا متمایز می‌کند، عمق فرهنگی و اجتماعی نهفته در آن است.

نوستالژی همواره یکی از نیروهای پنهان در زندگی جمعی ایرانیان بوده است. این بار اما فناوری جدید، به آن شکل تازه‌ای بخشیده است. مردم دیگر فقط به عکس‌های قدیمی خانوادگی نگاه نمی‌کنند، بلکه خودشان را وارد آن قاب می‌کنند و به شکلی فعال در بازآفرینی گذشته مشارکت دارند. این مشارکت جمعی نشان‌دهنده نیازی عمیق‌تر است، نیاز به حس تعلق و اتصال به روایتی مشترک. در جامعه‌ای که سرعت تغییرات اقتصادی و اجتماعی گاه فاصله میان نسل‌ها را به حدی بیشتر کرده‌که به آن فراتر از گسل می‌گویند، چنین تصاویری پلی موقت اما مؤثر می‌سازند. جوان‌ترها با کنجکاوی به دنیایی نگاه می‌کنند که فقط از روایت‌های والدین شنیده‌اند و نسل‌های قبل‌تر با لحنی آمیخته به حسرت، خود را در آن آینه می‌بینند.

از منظر اجتماعی، این موج را می‌توان واکنشی خلا‌فانه به فشارهای روزمره دانست. وقتی زندگی معاصر با پیچیدگی‌ها و دغدغه‌های مداوم همراه است، بازگشت به فضایی ساده‌تر و رنگی‌تر، حتی اگر خیالی باشد، نوعی تنفس جمعی ایجاد می‌کند. هوش مصنوعی این چانه به عنوان ابزار سلطه‌گر، بلکه به عنوان وسیله‌ای در دست مردم ظاهر شده که به آنها اجازه می‌دهد بدون هزینه و محدودیت، لحظه‌ای از حال فاصله بگیرند. این خودجوش بودن اهمیت ویژه‌ای دارد. هیچ نهادی این ترند را طراحی نکرده، بلکه این حرکت از دل ذوق عمومی و کنجکاوی فردی برخاسته و به سرعت به تجربه‌ای مشترک تبدیل شده است. چنین پدیده‌هایی نشان می‌دهند که جامعه ایرانی همچنان ظرفیت تولید فرهنگ دیجیتال خودجوش و مثبت را دارد. در سطح عمیق‌تر، این تصاویر بازتابی از رابطه پیچیده ما با زمان هستند. گذشته نه به عنوان امری تمام‌شده، بلکه به عنوان ماده‌ای زنده و قابل‌بازنویسی دیده می‌شود. مردم با انتخاب لباس و فضای آن دهه، ناخودآگاه درباره هویت، زیبایی و حتی سبک زندگی حرف می‌زنند. برخی با طنز به تفاوت‌ها اشاره می‌کنند و برخی دیگر با جدیت بیشتر به این فکر می‌کنند که چه چیزهایی از آن سال‌ها هنوز ارزشمند است. این گفت‌وگوی غیررسمی اما گسترده، به تقویت حافظه جمعی کمک می‌کند و یادآوری می‌شود که فرهنگ ایرانی همواره از طریق روایت و تصویر، خود را بازتولید کرده است.

در نهایت، موج عکس‌های هوش مصنوعی دهه ۸۰ میلادی بیش از آنکه صرفاً سرگرمی باشد، نشانه‌ای از پویایی فرهنگی جامعه است. مردمی که می‌توانند با فناوری روز، گذشته را بازآفرینی کنند و از آن شادی و پیوند بسازند، در واقع ظرفیت سازگاری و خلاقیت خود را به نمایش می‌گذارند. این ظرفیت اگر درست دیده شود، می‌تواند الهام‌بخش استفاده‌های گسترده‌تری از ابزارهای جدید برای تقویت همبستگی اجتماعی و بازخوانی هویت مشترک باشد. در روزگاری که فاصله‌ها گاه زیاد به نظر می‌رسند، چنین لحظه‌های انسانی و چنین سبک‌هایی یادآوری می‌کنند که هنوز راه‌هایی برای نزدیک شدن به یکدیگر وجود دارد.

مبارزه با پولشویی، یکی از الزامات اساسی برای سلامت و شفافیت اقتصاد کشور است؛ چرا که گردش پول‌های کثیف و منابع مالی با منشأ نامشخص می‌تواند ضمن ایجاد اختلال در فعالیت‌های اقتصادی، زمینه‌ساز فساد، فرار مالیاتی، تأمین مالی فعالیت‌های غیرقانونی و تضعیف اعتماد عمومی شود. از همین رو، این موضوع به‌تازگی بیش از گذشته در صدر مسائل اقتصادی قرار گرفته و مقابله با جریان‌های مالی غیرشفاف و تراکنش‌های مشکوک، به یکی از محورهای مهم سیاست‌گذاری و نظارت اقتصادی تبدیل شده است. در این میان، نهاد ناظر بر شبکه بانکی نیز با جدیت بیشتری بر شناسایی و کنترل جریان‌های مالی مشکوک تأکید کرده و تلاش دارد با تقویت سازوکارهای نظارتی و الزام بانک‌ها به اجرای دقیق مقررات، مسیر ورود و گردش منابع مالی ناسالم در شبکه اقتصادی کشور را مسدود کند.

این هشدار در شرایطی مطرح می‌شود که پولشویی تنها یک تخلف مالی یا جابه‌جایی غیرمتعارف منابع نیست، بلکه فرآیندی سازمان‌یافته برای وارد کردن درآمد‌های نامشروع به چرخه رسمی اقتصاد محسوب می‌شود؛ فرآیندی که در صورت گسترش، می‌تواند شفافیت اقتصادی را کاهش دهد، مسیر گردش سرمایه را منحرف کند و زمینه را برای گسترش فعالیت‌های زیرزمینی و غیرمولک فراهم آورد. اقتصاد سالم نیازمند آن است که منشأ پول، مسیر گردش منابع و ذی‌نفعان واقعی فعالیت‌های اقتصادی تا حد امکان روشن و قابل رصد باشد. هرجا این زنجیره شفافیت قطع شود و امکان جابه‌جایی منابع با هویت‌های صوری، حساب‌های اجاره‌ای، شرکت‌های پوششی و تراکنش‌های غیرمتعارف فراهم شود، زمینه برای فعالیت شبکه‌های پولشویی نیز فراهم خواهد شد.

پولشویی از آن جهت اهمیت دارد که آثار آن تنها به یک جرم یا تخلف مالی محدود نمی‌شود. ورود منابع نامشروع به اقتصاد رسمی، رقابت سالم اقتصادی را مخدوش می‌کند و فعالان اقتصادی شفاف و تولیدکنندگانی که از منابع خود را از مسیر قانونی تأمین کرده‌اند، در برابر جریان‌هایی قرار می‌دهد که از پشتوانه‌های مالی غیرشفاف برخوردارند. افزون بر این، پول‌های سرگردان و منابع نامشروع می‌توانند به سمت بازارهای غیرمولک حرکت کرده و به سوداگری در بازار ارز، طلا، مسکن و سایر بازارهای دارایی دامن بزنند. در این میان، شبکه بانکی به عنوان یکی از مهم‌ترین مسیرهای گردش مالی در کشور، نقشی تعیین‌کننده در پیشگیری و مقابله با پولشویی دارد. حجم قابل توجهی از مبادلات مالی از طریق حساب‌ها و سامانه‌های بانکی انجام می‌شود و به همین دلیل، شناسایی تراکنش‌های مشکوک، احراز هویت دقیق مشتریان و بررسی رفتارهای مالی غیرمتعارف، از مهم‌ترین وظایف شبکه بانکی در صیانت از سلامت نظام مالی و اقتصادی به شمار می‌رود.

از این رو به تازگی رییس‌کل بانک مرکزی در جلسه با مدیران عامل و اعضای هیات مدیره بانک‌ها گفته است، موضوع تخلفات در حوزه مبارزه با پولشویی به صورت جدی از سوی بانک مرکزی در حال پیگیری است و با متخلفان در سطح بانک‌ها، شعب و افراد برخورد قاطع می‌شود. به گزارش ایسنا، عبدالناصر همتی در این جلسه گفت: بانک مرکزی به طور مداوم در حال رصد تراکنش‌های بانکی است و تراکنش‌های مشکوک که منجر به اختلال در نظام پولی و بانکی کشور خصوصاً در بازار ارز و طلا می‌شود بلافاصله به مراجع قضایی معرفی می‌شوند. به گفته رییس‌کل بانک مرکزی، حساب‌های اشخاص مظنون به پولشویی، مسدود و محدودیت‌های بانکی برای این افراد اعمال می‌شود. همچنین بازرسی شعب و واحدهای بانکی به صورت حضوری انجام شده و در صورت تخطی از ضوابط، بلافاصله به هیات انتظامی بانک‌ها، معرفی و برخوردهای لازم صورت می‌گیرد. همتی همچنین تأکید کرد، بانک مرکزی طی تعامل با دستگاه قضا، تخلفات این حوزه را با جدیت پیگیری کرده و برخوردهای قانونی را در این خصوص تداوم خواهد داد. از سوی دیگر مبارزه با پولشویی صرفاً با تصویب قانون و صدور بخشنامه به نتیجه نمی‌رسد و اجرای دقیق مقررات، نظارت مستمر بر عملکرد

تجدید رابطه با امارات شاید مزیت اقتصادی داشته باشد اما به معایب امنیتی آن نیز التفات کنیم

دیپلماسی فراموشی

۳

کارگردانان فیلم «نازا» بعد از نمایش فیلم درونیز مورد تهاجم وزیران رژیم اشغالگر قرار گرفتند

«نازا» مستندی که نباید‌ها را گفت

۵



۳

«آگاه» به بهانه تذکر جدی رییس بانک مرکزی به بانک‌ها درباره پولشویی بررسی کرد

شست‌وشوی پول در صرافی‌ها

چرا که برای آنها درآمد بانکی، گردش حساب‌ها و افزایش فعالیت‌های مالی اهمیت بیشتری از کنترل تراکنش‌هایی دارد که احتمال وقوع تخلف یا پولشویی در آنها وجود دارد. وی در ادامه درباره اینکه آیا طی سال‌های گذشته توانسته‌ایم حفره‌ها و نفوذ پولشویی در اقتصاد کشور را شناسایی و مسدود کنیم، بیان کرد: اتفاقات مهمی در این حوزه افتاده و نقش شکل‌گیری سازوکارهای مبارزه با پولشویی اتفاق مثبتی است، اما سرعت تحولات در این حوزه مقداری پایین است و با سرعت تغییرات در فضای اقتصادی و مالی کشور همخوانی ندارد.

رئیس کمیته پولی، ارزی و بانکداری کمیسیون اقتصادی مجلس ادامه داد: به‌ویژه اینکه امروز با یک مسئله بسیار مهم مواجه هستیم و آن شکل‌گیری زیست‌بوم‌های جدید برای پولشویی است؛ یکی از مهم‌ترین این زیست‌بوم‌ها، حوزه رمزارزها و دارایی‌های دیجیتال است. رئیس کمیته پولی، ارزی و بانکداری کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، با اشاره به خلأهای نظارتی موجود در حوزه رمزارزها، گفت: این حوزه اساساً تحت نظارت مؤثر وزارت امور اقتصادی و دارایی با بانک مرکزی قرار ندارد و به اعتقاد بنده، اصل و اساس پولشویی در این حوزه رخ می‌دهد. از سوی دیگر، فعالان حوزه رمزارزها تعداد به‌صافی قدرتمندی ایجاد کرده‌اند و اعمال نفوذ می‌کنند و عملاً اجازه تنظیم‌گری در این بخش را نیز نمی‌دهند و این مسئله به دلیل نفوذی است که در دستگاه‌ها و دولت دارند. ظهوریان ادامه داد: در بحث مبارزه با پولشویی در قوه قضائیه نیز یکی از مسائل اصلی، همین صرافی‌های آنلاین و حوزه رمزارزها و دارایی‌های دیجیتال است که اساساً مورد نظارت قرار نمی‌گیرند؛ این در حالی است که در بانک‌ها حداقل یک نهاد ناظر وجود دارد. اما صرافی‌های رمزارزی عملاً به‌طور کامل بی‌صاحب و بدون قاعده هستند. وی تصریح کرد: در این شرایط، فردی بدون مجوز، بدون نهاد تنظیم‌گر و بدون قاعده‌گذاری مشخص می‌تواند در این حوزه فعالیت کند و ده‌ها میلیارد دلار گردش مالی در این بخش اتفاق می‌افتد، اما هیچ‌کس نمی‌داند این گردش مالی کجاست و چه اتفاقی برای آن رخ می‌دهد. وی با بیان اینکه در نظام بانکی سازوکارهایی برای کنترل تراکنش‌ها وجود دارد، اظهار کرد: در نظام بانکی بالاخره سازوکارهایی برای کنترل تراکنش‌ها وجود دارد و بانک مرکزی نیز بر فعالیت بانک‌ها نظارت می‌کند، اما در صرافی‌های رمزارزی با وضعیتی مواجه هستیم که عملاً قاعده مشخص و نهاد تنظیم‌گر مؤثری وجود ندارد. بنابراین تا زمانی که این مسائل حل نشود، تنها با اتکا به سیستم بانکی نمی‌توان این‌گونه مسائل را برطرف کرد. ظهوریان ادامه داد: در حال حاضر نه بانک مرکزی بر فعالیت رمزارزها نظارت مؤثری دارد، نه دولت و نه وزارت امور اقتصادی و دارایی و در حقیقت این بخش به یک بخش بی‌صاحب و سیاه اقتصاد تبدیل شده است که هیچ‌کس نمی‌داند درون آن چه خبر است. وی افزود، برخی نیز به دلیل ذی‌نفع بودن در این بخش، وارد موضوع نمی‌شوند و همین مسئله می‌تواند یکی از دلایل استمرار خلأ نظارتی در حوزه رمزارزها باشد. رئیس کمیته پولی، ارزی و بانکداری کمیسیون اقتصادی مجلس در ادامه به نقش وزارت ارتباطات در این حوزه اشاره کرد و گفت: البته باید به این نکته اشاره کنم که اساساً این موضوع هیچ ارتباطی به وزارت ارتباطات ندارد، اما به دلیل ارتباطاتی که این وزارتخانه و یکی از معاونان با صرافی‌های رمزارزی دارند، – با وجود اینکه رئیس‌جمهور در این بخش دستوراتی داده بود، – اما در لایه‌های پایین‌تر دولت مانع شدند که حتی وزارت اقتصاد به این موضوع ورود کند. ظهوریان تأکید کرد: اصل این موضوع ارتباطی به وزارت ارتباطات ندارد و صرف اینکه یک کسب‌وکار دیجیتال محسوب می‌شود، نمی‌تواند به معنای آن باشد که این حوزه به وزارت ارتباطات مربوط است.

در مجموع، پولشویی یکی از مهم‌ترین تهدیدهای پنهان علیه سلامت اقتصاد است و آثار آن می‌تواند از شبکه بانکی فراتر رفته و به بخش‌های مختلف اقتصاد سرایت کند. مقابله مؤثر با این پدیده نیازمند بانکداری شفاف، نظارت هوشمند، شناسایی ذی‌نفعان واقعی، مقابله با حساب‌های اجاره‌ای، تبادل اطلاعات میان نهاد‌های مسئول و برخورد قاطع و بدون تبعیض با متخلفان است.

بانک‌ها و برخورد بدون اغماض با متخلفان، حلقه‌های اصلی مقابله با این پدیده محسوب می‌شوند. اما یکی از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با پولشویی، تقویت سامانه‌های هوشمند رصد و پایش تراکنش‌های مالی است. حجم بالای مبادلات بانکی در اقتصاد امروز، نظارت سنتی و صرفاً انسانی را با محدودیت مواجه کرده و استفاده از سامانه‌های هوشمند و ابزارهای داده‌محور می‌تواند در شناسایی الگوهای غیرعادی مالی و تراکنش‌های مشکوک نقش مؤثری ایفا کند. چرا که پولشویان برای رسیدن به اهداف خود از تکنیک‌های مختلفی مانند دستکاری در تراکنش‌های مالی، ایجاد کسب‌وکارهای جعلی، مشارکت در طرح‌های تجاری یا سرمایه‌گذاری در دارایی‌های لوکس استفاده می‌کنند. این روش‌ها به مجرمان اجازه می‌دهد تا منشأ و چوه خود را پنهان کرده و از درآمد حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی خود بهره‌مند شوند.

تکمیل فرآیند شناسایی مشتری و ذی‌نفع واقعی حساب‌ها نیز از دیگر الزامات مهم در این مسیر است. حساب‌های بانکی نباید به ابزار برای پنهان کردن هویت صاحبان واقعی منابع یا پوشش فعالیت شبکه‌های غیرشفاف تبدیل شوند. مقابله با حساب‌های اجاره‌ای و سوءاستفاده از هویت افراد، نیازمند نظارت دقیق‌تر و شناسایی مؤثر ذی‌نفعان واقعی تراکنش‌های مالی است. از سوی دیگر، تقویت ارتباط و تبادل اطلاعات میان دستگاه‌های مسئول می‌تواند مسیر فعالیت شبکه‌های پولشویی را محدودتر کند. بانک مرکزی، شبکه بانکی، دستگاه‌های نظارتی، سازمان امور مالیاتی، گمرک و مراجع قضایی باید در چارچوب قانون، امکان تبادل اطلاعات لازم برای شناسایی زنجیره‌های مشکوک مالی را داشته باشند؛ چرا که پولشویی معمولاً در یک مرحله خلاصه نمی‌شود و شناسایی آن نیازمند رصد مجموعه‌ای از فعالیت‌های مالی و اقتصادی است. همچنین نظارت بر عملکرد شعب بانکی نیز باید با جدیت بیشتری دنبال شود. مقررات نظایه با پولشویی زمانی اثربخش خواهد بود که اجرای آن در تمامی سطوح شبکه بانکی مورد توجه قرار گیرد. برخورد با تخلفات نیز نباید صرفاً محدود به یک فرد باشد و در صورت اثبات قصور یا تخلف، مسئولیت مجموعه‌ها و واحدهای مرتبط نیز باید بر عهده بانک‌ها و اگدار گرفته. وی افزود، در واقع قواعد موجود به‌گونه‌ای است که فعالیت‌های سالم اقتصادی با موانع غیرضروری مواجه نشود. تولیدکنندگان، فعالان اقتصادی و شهروندانی که فعالیت مالی شفاف دارند، نباید قربانی فرآیندهای پیچیده و فرسایشی شوند. هنر سیاست‌گذاری در این حوزه، ایجاد توازن میان نظارت دقیق و تسهیل فعالیت‌های قانونی و مولد اقتصادی است.

ده‌ها میلیارد دلار گردش مالی بدون نظارت

رئیس کمیته پولی، ارزی و بانکداری کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» اما از ابعاد تازه در این بخش نیز پرده برداشت. رییس‌جمهوریان، نماینده مردم مشهد و گلات در زبانی چربی عدم رعایت ضوابط مبارزه با پولشویی در کشور و همچنین هشدار اخیر رئیس کل بانک مرکزی به بانک‌ها درباره متخلفان این حوزه در بدنه بانک‌ها، گفت: یکی از مشکلات این است که بانک مرکزی عملاً بخش قابل توجهی از مسئولیت مبارزه با پولشویی را به خود بانک‌ها واگذار کرده. وی افزود، در واقع قواعد موجود به‌گونه‌ای است که بانک‌ها صرفاً منظر می‌مانند تا بانک مرکزی ضوابطی را ابلاغ کند و در نهایت نیز اعلام کنند که این قواعد را اجرا کرده‌اند، اما مسئولیت مشخصی برای مقابله جدی با پولشویی در داخل بانک‌ها تعریف نشده است. رئیس کمیته پولی، ارزی و بانکداری کمیسیون اقتصادی مجلس تصریح کرد: در شرایط فعلی، وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز از منظر جایگاه حاکمیتی و نظارتی خود طبیعتاً باید در این حوزه ورود داشته باشد و بانک مرکزی نیز باید از منظر قاعده‌گذاری و تنظیم‌گری ایفای نقش کند. نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس افزود، امروز بانک‌ها واحدها و سازوکارهایی برای مبارزه با پولشویی صرفاً با تصویب قانون و صدور در بسیاری از موارد، خود بانک‌ها ورود جدی و مؤثری به این موضوع نمی‌کنند،



«آگاه» به بررسی سخنان روزگذاشته پزشکیان و عارف پرداخت ایران و پایان عصر زورگویی آمریکا

روزگذاشته دو مقام دولتی دو اظهار نظر مهم کردند. مسعود پزشکیان به خیابان آزادی رفت و با تعدادی از بارزنشستگان در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نشست صمیمی برگزار کرد و وحدت و انسجام را رمز ایستادگی در برابر قلدری آمریکا برشمرد و گفت، چنانچه در کشور همدلی و هم‌افزایی وجود داشته باشد و بتوانیم وحدت و انسجام را حفظ کنیم، هیچ‌گاه در مقابل آمریکا سر خم نخواهیم کرد. واقعیت این است آنها قلدری می‌کنند و با مشکلات و محدودیت‌هایی که ایجاد کرده‌اند، به دنبال فروپاشی اجتماعی هستند. آمریکا راه را بسته و به دنبال ایجاد اختلاف در کشور است.

او در عین حال با اشاره به استفاده از ابزار و تکنولوژی توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی، یادآور شد، آنها دولت تروریست ایجاد کرده‌اند و هر که را که دشان می‌خواهد، ترومی‌کنند. در غره نیز مردم بی‌گناه آن منطقه را تروریست می‌نامند، در حالی که آنها حتی آب و غذا ندارند که مصرف کنند. محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور هم جلسه ستاد توسعه فناوری و کاربرد هوش مصنوعی را برگزار کرد و دو موضوع را مورد توجه قرار داد. نخست آنکه، جنگ‌های آینده، جنگ‌های فناوری است و افسران این جنگ دانشمندان جوان ما هستند که دستاوردهای علمی آنان را در دفاع از کشور در جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه مشاهده کردیم. وی از اجرای برنامه سه‌ساله دولت برای دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله در حوزه علم و فناوری و قرار گرفتن ایران در جایگاهی تأثیرگذار در منطقه و جهان خبر داد و اظهار کرد، باید با اتکا به پیشرفت‌های علمی و فناوری کاری کنیم که هیچ دشمنی جرأت حمله به کشورمان را پیدا نکند.

اما نکته دیگر در سخنان عارف به شکسته شدن شاخ نظام سلطه از سوی ایران اختصاص داشت، به اعتقاد او، ظرفیت علمی کشور در در جنگ اخیر به خوبی نمایان شد و دشمن به هیچ‌یک از اهداف خود دست نیافت. معاون اول رئیس‌جمهوری به ادامه نیز گفت، ما شاخ نظام سلطه را شکستیم، اما باید مسیر پیشرفت علمی و فناوری کشور را ادامه دهیم. دانشمندان و متخصصان جوان و برجسته‌ای در کشور داریم که انگیزه زیادی برای پیشرفت علمی ایران دارند و باید از آنان حمایت کنیم.

حال با کنار هم قراردادن سخنان این دو چهره تأثیرگذار در قوه مجریه باید ادعان کرد، در فضای سیاسی امروز، هر سخن مقام ارشد دولتی، فراتر از یک اظهار نظر گذرا، حامل پیامی راهبردی است. نگاهی تحلیلی به سخنان روزگذاشته رئیس‌جمهور در نشست با بارزنشستگان و هم‌زمان، اظهارات معاون اول وی در ستاد توسعه فناوری، فرمولی را قرار می‌دهد که می‌توان آن را تلفیقی وحدت ملی و اقتدار فائزانه نامید. این دو محور، در حقیقت، دو ضلع از یک مثلث بازدارندگی هستند که ضلع سوم آن، همان شکستن شاخ نظام سلطه است.

تأکید رئیس‌جمهور بر اینکه «وحدت و انسجام داخلی رمز ایستادگی در برابر قلدری آمریکا است»، تنها یک توصیه اخلاقی یا اجتماعی نیست، یک ضرورت امنیتی در دکترین دفاعی امروز است. در عصر جنگ‌های ترکیبی، دشمن بیش از آنکه به دنبال تخریب سخت‌افزاری باشد، در پی ایجاد گسست‌های درونی است. از این منظر، وحدت داخلی در واقع نخستین لایه دفاعی کشور است. از این رو هرگونه انسجام میان افشار مختلف، هزینه سنگینی برای دشمن ایجاد می‌کند. در واقع، رئیس دولت با تأکید بر حفظ وحدت، جامعه را به عنوان یک قلعه نفوذناپذیر معرفی می‌کند که زیربنای هرگونه پیروزی در میدان‌های دیگر است. در همین راستا، تحلیل سخنان معاون اول رئیس‌جمهور درباره اینکه «جنگ‌های آینده، جنگ فناوری است»، لزوم گذار از بازدارندگی سنتی به بازدارندگی هوشمند را تبیین می‌کند. وقتی صحبت از هوش مصنوعی و فناوری‌های پیشرو می‌شود، دیگر بحث بر سر تعداد تجهیزات نیست، بحث بر سر کیفیت مدیریت داده‌ها و سرعت تصمیم‌گیری است. عبارت جرسورانه «شاخ نظام سلطه را شکستیم» از سوی محمدرضا عارف، نشان‌دهنده این حقیقت است که ایران توانسته است که تا تکیه بر تخصص داخلی، نقاط ضعف متخاصمان را شناسایی و آنها را به چالش بکشد. از همین رو آنچه باید از این دو دیدگاه استخراج کرد، یک استراتژی یکپارچه است؛ «وحدت داخلی، اراده را می‌سازد و فناوری، ابزار تحقق این اراده را فراهم می‌کند». بدون وحدت، پیشرفت‌های فناورانه در معرض نفوذ قرار می‌گیرند و بدون فناوری، وحدت ملی در برابر فشارهای سخت تکنولوژیک، آسیب‌پذیر خواهد بود. بنابراین، فرمول پیروزی ایران در مقابله با قلدری نظام سلطه، در پیوند میان «مردم متعهد» و «دانش پیشرو» نهفته است. امروز ایران با تکیه بر این دکترین، به جهانیان اعلام کرده است که پس از خروج نیروهای نظامی آمریکا از محل فرود توسط نیروهای کمکی، ایالات متحده هوایی خود را که در محاصره قرار گرفته بود، بمباران کرد تا هیچ فناوری به دست ایران نیفتد.

درواکتش به این ادعا، پایگاه خبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (سپاه نیوز) به بیان روایتی از زمین‌گیر شدن هواپیماهای آمریکایی در دشت مهباز پرداخت. در این روایت آمده است؛ «دو فروند هواپیمای عملیات ویژه MC-۱۳۰E (۱۳ فروند به عمق خاک ایران شناسایی و رهگیری شدند و در جریان درگیری آسیب جدی دیدند؛ آسیبی که در نهایت به زمین‌گیری آنها در باند صحرایی انجامید. همزمان، پنج فروند بالگرد MH-۶ لیتل برد و بالگردهای پشتیبان عملیات نیز آسیب دیدند یا امکان خروج پیدا نکردند. نیروهای آمریکایی پس از ناامیدی از



یک فروند پهپاد پیشرفته MQ1 دیروز از سوی سپاه منهدم شد

تنگه هرمز، منطقه ممنوعه برای قلدری‌ها

نشده و وارد لایه‌های مدیریتی–ساختاری شده است. در همین راستا، هشدار اخیر نهاد مدیریت آبراه خلیج فارس مبنی بر به‌روزرسانی فهرست شناورهای متخلف و الزام شرکت‌های بیمه‌گر، کلاب‌های P&I و مؤسسات رده‌بندی به خودداری از ارائه خدمات به این شناورها، ابعاد تازه‌ای به بازدارندگی ایران بخشیده است. این دو خبر (انهدام پهپاد و هشدار آبراه‌ها) در حقیقت در روی یک سکه هستند، اگر انهدام پهپاد MQ1 از ضربه فیزیکی و سخت بدانیم، هشدار نهاد مدیریت آبراه را باید بازدارندگی خود را از سطح نظامی به سطح «مدیریتی – خدمانی» گسترش داده است. در حالی که آمریکا تنها با تهدیدات نظامی آشنا است، ایران با ممنوع کردن خدمات لجستیکی، سوخت‌رسانی و پشتیبانی از شناورهای متخلف، محیط زیست عملیاتی دشمن را غیرقابل تحمل کرده و حضور آنها را با ریسک‌های لجستیکی شدید مواجه می‌سازد.

نتیجه‌گیری

در نهایت، ترکیب ضربات نظامی و فشارهای لجستیکی، یک «حلقه محاصره» جامع را پیرامون متجاوزان ایجاد کرده است. ایران با به‌کارگیری ترکیبی از قدرت نظامی، تسلط اطلاعاتی و ابزارهای مدیریتی، به دنیا ثابت کرد، تنگه هرمز را نه تنها با سامانه‌های پدافندی، بلکه با قوانین مدیریتی و حاکمیتی خود اداره می‌کند. این رویکرد جامع، هرگونه تحرک متخاصم را به عملیاتی پرهزینه، دشوار و مخاطره‌آمیز تبدیل می‌کند. به عبارت دیگر، جمهوری اسلامی دیگر تنها در جایگاه دفاع‌کننده نیست، خود را حاکم و مدیر آبراه می‌داند و با اراده‌ای واضح، به تمامی تعهدات و هشدارهای خود عمل می‌کند. ترکیب این دو رویکرد (پدافندی–مدیریتی)، نشان می‌دهد، از سکو، سیستم‌های پدافندی پیشرفته، تجهیزات دشمن را هدف قرار می‌دهند و از سوی دیگر، ابزارهای مدیریتی، شریان‌های پشتیبانی متخلفان را قطع می‌کنند. این حلقه محاصره، دست و پای متجاوز را بسته و هرگونه تحرک در منطقه را نه تنها خطرناک، بلکه از منظر لجستیکی، به شدت پرهزینه و دشوار ساخته است.

وضعیت موجود با اعمال فشارهای یک‌جانبه، با واکنش‌های متناسب و ضرباتی سریع خنثی می‌شود.

نکته کلیدی در تحلیل این تحرکات، تکیه بر دکترین «بازدارندگی فعال» است. در این رویکرد، نیروهای مسلح تنها به تهدیدات اکتفا نکرده و با اجرای عملیات‌های اثرگذار و هدفمند، توانمندی و جسارت خود در ضربه زدن به دشمن را به نمایش می‌گذارند. در همین راستا، باید به پیشینه این عملیات‌ها نگریست؛ پیش از این در تاریخ ۱۹ شهریور ماه، نیروی دریایی سپاه پاسداران با شناسایی دقیق یک فروند شناور بدون سرنشین (شمپاد) از نوع «سیل درون» با شماره بدنه ۵۸۳۸ در ورودی تنگه هرمز، آن را مورد اصابت قرارداد و مأموریت تجاوزکارانه آن را با شکست مواجه ساخت. با پیوند میان شکار «شمپاد» و انهدام MQ1، شبکه نظارتی یکپارچه و گسترده دیده می‌شود که هیچ هدف متجاوزی را، چه در لایه‌های آبی و چه در لایه‌های هوایی، نادیده نمی‌گیرد. این سطح از تسلط عملیاتی، آمریکا را مجبور می‌کند، پیش از هرگونه تحرک نظامی، هزینه‌های احتمالی و ریسک‌های انهدام تجهیزات خود را به دقت محاسبه کند.

انهدام این پهپاد در فراز تنگه هرمز، سه پیام راهبردی را برای جامعه بین‌المللی و به‌ویژه تصمیم‌گیرندگان درواشگتن به همراه دارد:

- حاکمیت مطلق بر تنگه هرمز:** هرگونه تلاش برای تغییر موازنه قدرت یا تغییر وضعیت موجود در این منطقه، با واکنش نظامی قاطع مواجه خواهد شد.
- تداوم و استمرار پاسخ‌ها:** این عملیات یک اتفاق تصادفی یا واکنشی مقطعی نیست، بخشی از یک استراتژی بلندمدت دفاعی است. بنابراین هر اقدامی که امنیت ملی ایران را به مخاطره اندازد، پاسخی مشابه یا سخت‌تر در پی خواهد داشت.
- پایان دوران مصونیت تجهیزات:** آسمان‌های منطقه دیگر پناهگاه امنی برای تجهیزات جاسوسی آمریکا نیست و هرگونه نقض حریم هوایی، به معنای پذیرش ریسک انهدام قطعی است.

تکمیل حلقه بازدارندگی؛ از ضربات فیزیکی تا محاصره لجستیکی
تحرکات نیروهای مسلح و نهاد‌های حاکمیتی ایران تنها به ابعاد نظامی محدود

انهدام پهپاد پیشرفته MQ1 توسط سپاه در فراز تنگه هرمز، فراتر از یک عملیات دفاعی متداول، تجلی عینی و عملیاتی مفهوم «بازدارندگی فعال» است. این اقدام در پاسخ به رویکرد نظارتی-تهاجمی و فشارهای نظامی ایالات متحده صورت گرفته و پیامی صریح و بی‌پرده مبنی بر تسلط کامل و همه‌جانبه جمهوری اسلامی بر فضای آسمانی و آبی منطقه است. ایران با تکیه بر سوابق موفق در شناسایی و هدف قرار دادن شناورهای متجاوز، بار دیگر به جهانیان ثابت کرد که هرگونه نفوذ غیرقانونی در حریم ملی، با پاسخی سخت، سریع و متناسب خنثی خواهد شد. این عملیات به وضوح نشان می‌دهد، عصر مصونیت تجهیزات پیشرفته آمریکایی به پایان رسیده و هرگونه اقدام قلدرمآبانه در شریان حیاتی هرمز، هزینه‌های نظامی و روانی سنگینی برای ساختار قدرت درواشگتن به همراه خواهد داشت.

انهدام MQ1 و پیام‌های راهبردی

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دیروز در اطلاعیه‌ای رسمی اعلام کرد، یک فروند پهپاد پیشرفته MQ-1 توسط سامانه‌های نوین پدافند پیشرفته هوافضای سپاه و تحت کنترل شبکه یکپارچه پدافند هوایی کشور در فراز آسمان تنگه هرمز رهگیری و منهدم شده است.

این عملیات را نباید صرفاً حدف پهپاد پیشرفته دانست؛ باید آن را در چارچوب تحلیل «سلطه نظارتی» آمریکا بررسی کرد. ایالات متحده در سال‌های اخیر به‌خصوص پس از به روی کار آمدن ترامپ در خاک سفید، تلاش کرده است با استقرار تجهیزات و حضور نظامی در نزدیکی تنگه هرمز، نوعی سلطه نرم و نظارتی را بر این مسیر استراتژیک تجارت جهانی اعمال کند تا از این طریق، اراده ایران در مدیریت منطقه را سست کند. اما پاسخ قاطع ایران در قالب انهدام MQ1 دو پیام بنیادین را به طرف مقابل منتقل کرد:

- ناکارآمدی تکنولوژی در برابر اراده و تخصص:** پیشرفته بودن تجهیزات آمریکایی، به هیچ عنوان تضمین‌کننده امنیت آنها در برابر سیستم‌های دریایی و پدافندی بومی ایران نیست و تکنولوژی در برابر اراده استوار، انزیری ناکارآمد است.
- تغییر بنیادین موازنه قدرت:** ایران در عمل ثابت کرد که هرگونه تلاش برای تغییر

گزارش «آگاه» درباره تحولات اخیر تنگه هرمز و یمن را بخوانید خون‌خواهی؛ موتور محرک اقتدار ایران در منطقه



هرکلمه، منظر را یک توانمندی نظامی و هروعد، پیش‌درآمدی بر یک جسارت عملیاتی است. این تطابق کامل میان سخن و عمل، منجر به سقوط محاسبات دشمن می‌شود. متخاصمان اکنون با هر هشدار ایران، با بحرانی از عدم قطعیت مواجه می‌شوند؛ زیرا می‌دانند اراده‌ای که از خون شهیدان نیرو می‌گیرد، هرگز در برابر تهدیدها عقب‌نشینی نمی‌کند. در نتیجه، هرگونه تحرک نظامی دشمن در منطقه، پیش از اجرا، با محاسبه هزینه‌های سنگین، ریسک انهدام تجهیزات و فشار روانی شدید رو به رو می‌شود.

تحلیل تحولات جاری گویای آن است که منطقه با معادله‌ای نوین روبروست؛ معادله‌ای که در آن پیروزی اراده بر تجهیزات و غلبه ایمان بر تکنولوژی به‌طور کامل کالبدشکافی شده است. آنچه امروز در میدان نبرد جاری است، صرفاً نتیجه پیشرفت‌های سخت‌افزاری نیست، تجلی عینی پرچم خون‌خواهی رهبر شهید است که بازدارندگی ایران را از مفهوم دفاعی به حاکمیت استراتژیک ارتقا داده است.

دکترین خون‌خواهی در جمهوری اسلامی، در حقیقت پیمانی است میان رزمندگان و شهید عزیز؛ پیمانی که ثابت کرد راه شهید با رفتن ایشان متوقف نشده، چرا که با خونی که جاری شد، جاده‌ای به سوی اقتدار گشود. هر ضربه به متجاوزان، پاسخی به آن شهادت عظیم است و به دشمن می‌فهماند خون رهبر شهید، به سرمایه‌ای ابدی تبدیل گشته و هر لحظه بر جسارت، ایمان و دقت عملیاتی ایرانیان و جبهه مقاومت می‌افزاید. جمهوری اسلامی با تلفیق هوشمندانه قدرت سخت نظامی و اعتبار راهبردی وعده‌ها، به جهانیان ثابت کرد وقتی خون شهادت با اراده خون‌خواهی پیوند می‌خورد، هیچ سدی در برابر آن نمی‌ایستد و هیچ قدرتی قادر به مهار آن نخواهد بود.

تحولات منطقه، از جبهه‌های عملیاتی یمن تا آبراه‌های حیاتی و راهبردی تنگه هرمز، درباره زمانی اخیر، ابعاد تازه‌ای از موازنه قدرت را به نمایش گذاشته است. در این میان، تداوم استوار اراده جمهوری اسلامی ایران که اکنون تحت لوای «پرچم خون‌خواهی رهبر شهید» تجلی یافته، نه تنها مانع از هرگونه پیشروی و نفوذ متخاصمان گشته، بلکه منجر به بازتعریف مفهوم «بازدارندگی فعال» در سطح منطقه‌ای شده است. این رویکرد، ایران را از وضعیت دفاع متقابل به جایگاه مدیریت فعال تهدیدات رسانده است.

تحلیل دکترین خون‌خواهی

شهادت «آقای شهید ایران»، برخلاف محاسبات و استراتژی‌های دشمنان که در پی ایجاد خلأ راهبردی و تضعیف اراده ملی بودند، به کاتالیزوری برای تبدیل اندوه ملی به قدرت عملیاتی بدل شد. ثابت کرد که اراده ملی ایران، برتری تجهیزات اسلامی، از یک واکنش عاطفی و مقطعی فراتر رفت و به الگوی استراتژیک و پایدار تبدیل شده است. در این الگو، هر ضربه پیش‌دستانه و هر عملیات موفق در میدان نبرد، نه صرفاً یک اقدام نظامی، بلکه بخشی از تعهد عملیاتی به شهادت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تلقی می‌شود. پیوند ناگسستنی میان ایمان و عملیات، باعث شده است تا اراده ملی در حساس‌ترین مقاطع، با ثباتی دوچندان، مسیر تعیین‌شده در دکترین دفاعی کشور را دنبال کند. اقتدار جاری در میدان نبرد، به‌ویژه در محورهای یمن و تنگه هرمز در دو سطح قابل بررسی است:

- هماهنگی استراتژیک با محور مقاومت و اجرای عملیات‌های پیچیده در آب‌های بین‌المللی، نشان‌دهنده تسلط کامل ایران بر ابزارهای قدرت سخت و توانایی در تغییر سریع تاکتیک‌های میدانی است.
- بهره‌گیری از فناوری‌های نوین پدافندی و توانمندی در شناسایی و انهدام تجهیزات پیشرفته دشمن، ثابت کرد که اراده ملی ایران، برتری تجهیزات متخاصمان را به چالش کشیده است. این امر پیام‌آور آن است که ایران امروز، نه تنها در صیانت از حریم ملی، بلکه در تعیین معادلات امنیتی منطقه، نقشی محوری، اثرگذار و تعیین‌کننده ایفا می‌کند.

اعتبار راهبردی وعده‌ها

یکی از ارکان بنیادین در دکترین خون‌خواهی رهبر شهید، اعتبار بخشیدن به وعده‌ها است. تجربه میدان به‌طور قاطع ثابت کرده است که در استراتژی ایران،

روایتی از خسارت سنگین عملیات نجات آمریکا

زمین‌گیری پس از رهگیری

بازبانی این تجهیزات، برای جلوگیری از افتادن لاشه‌ها و فناوری‌های حساس به دست ایران، هواپیماها و بالگردهای باقی‌مانده را عمداً منهدم کردند. بنابراین ادعای «گیرکردن ساده چرخ‌ها در شن» که روایت رسمی واشگتن از علت حادثه است، یک نمایش هالیوودی؛ برای مدیریت افکار عمومی آمریکا است. آنچه آمریکایی‌ها پخش کردند با ۲۲ تکرارواژه آمریکا و مرده آمریکا؛ یک مسکن برای افکار عمومی خسته از جنگ «پرهزینه و نامحبوب» بوده است. این کل داستان نیست و زخمی شدن چند افسر آمریکایی و نابودی دو هرکولس و چند لیتل برد، و همینطور یک بِلک هاوک و یک جنگنده A۱۰ و چندین پهپاد از سری‌های MQ۱ MQ۹ – هم جزو این سناریو است که آمریکایی‌ها با آن را در این ویدیو نیاوردند یا با سرعت بالا از آن گذشتند. خدا با کسانی که روز اول بچه‌های میناب را پرپر کردند و همین چند وقت پیش یک عروسی را به عزت تبدیل کردند، نیست؛» سپاه نیز همچنین در مطلبی با عنوان «حماسه نجات»؛ پرده‌ای برای پنهان‌کردن سرنوشتی DUEFF۴ به سرنوشتی جنگنده F-۱۵E استرایک اِیگل با علامت شناسایی رادیویی DUEFF۴ و عملیات نجات خدمه آن پرداخت و تمرکز رسانه‌های آمریکایی بر اجرای نجات خدمه را تلاشی برای پنهان‌کردن ایجاد سرنوشتی این جنگنده دانسته است. در این مطلب آمده است، «اصل ماجرا نه روایت هالیوودی بقای خدمه، بلکه رهگیری و سرنوشتی جنگنده F-۱۵E استرایک اِیگل با شماره بدنه ۰۰۳۰۰ و ۰۰۳۰۱ است. هوآگرزی متعلق به اسکادران ۴۹۴ جنگنده از بال F۸، مستقر در پایگاه لیک‌هیت بریتانیا که لاشه و علائم شناسایی آن نیز بعداً در ایران به نمایش درآمد.

تمرکز افراطی رسانه‌های آمریکایی بر سقوط معجزه‌آسا، ایمان خلبان، فراره ۵۰ساعته و عملیات عظیم نجات، تلاشی برای جابه‌جا کردن نقطه کانونی خبر و فرار از واقعیتی روشن است؛ یکی از مهم‌ترین جنگنده‌های ضربتی آمریکا در عمق خاک ایران از دست رفت و عملیات بازبانی خدمه نیز به جاماندن و انهدام چند هواپیمای ترابری و بالگرد عملیات ویژه و یک جنگنده دیگر انجامید. واشگتن با تبدیل یک شکست رزمی پرهزینه به داستان «هیچ‌کس را جانی نمی‌گذاریم»، می‌کوشد به جای پاسخ‌گویی درباره چگونگی کشف و سرنوشتی DUEFF۴، افکار عمومی را با قهرمان‌سازی از خدمه و تیم نجات همراه کند.»



تجدید رابطه با امارات شاید مزیت اقتصادی داشته باشد اما به معایب امنیتی آن نیز التفات کنیم

دیپلماسی فراموشی



تبدیل شده بود. نگاه به آینده نیازمند صداقت در عمل است، نه فقط تکرار تعارفات دیپلماتیک.

بانک اهداف خود را محدود نکنیم

ما برای ارتقای بازدارندگی خود، یک وظیفه مشخص داریم؛ ما باید اهرم‌های قدرت خود را حفظ کنیم؛ تنگه هرمز، اهرم قدرت ماست. باید توانایی و قابلیت خود را در انسداد تنگه هرمز و حتی باب‌المنذب حفظ کنیم. باید قابلیت و توانایی خود را در هدف قرار دادن امارات و سایر کشورهای هم‌پیمان با رژیم صهیونیستی در منطقه حفظ کنیم. نباید بی‌جهت و تحت تاثیر دیپلماسی لیخن، وارد فاز تنش‌زدایی با اعراب حاشیه خلیج فارس شویم؛ باید توجه کنیم که ترتیبات امنیتی و معادلات راهبردی منطقه غرب آسیا دیگر به پیش از ۱۹ اسفند ۱۴۰۴ بازمی‌گردد. اگر وارد فاز تنش‌زدایی بی‌جهت و پیمان‌های مصلحت منطقه‌ای شویم، آنگاه در صورت تجاوز احتمالی مجدد آمریکا و اسرائیل به کشورمان، بانک اهداف مان محدود می‌شود و در دزدن کشورهای حاشیه‌ای خلیج فارس، محدودیت و معذورت و معذورت خواهیم داشت. تغییر در ژئوپولیتیک شیعه، عقیم سازی حزب الله، تضعیف بازدارندگی شبکه‌ای ایران و در نهایت تهدید برای دور بعدی حملات گسترده به خاک ایران، تصمیم قطعی اسرائیل و آمریکا است. نتایجها و ترامپ با محاسبه مهار کامل تهران در منطقه خلیج فارس، به خصوص تنش‌زدایی نادرست با امارات و تعدید بانک اهداف، خود را در جنگ زیرساختی دارای دست‌بتر کامل می‌دانند و براساس این محاسبه به شکلی سیستماتیک، آهسته و پیوسته، اقدامات شیطانی خود را به پیش می‌برند. ما باید خنثی کردن این توطئه باید نشان دهیم که بانک اهداف مان در خلیج فارس خصوصاً در قطرو امارات به هیچ عنوان محدود نشده است و گزینه انسداد کامل باب‌المنذب و تهدید خطوط لوله انتقال نفت بنیج عربستان و فجیره امارات واقعی است.

چه پاسخی برای اد‌عاهای وا‌هی علیه حاکمیت قطعی ایران بر جزایر سه‌گانه وجود دارد؟ آیا امارات حاضر است رسماً خط قرمز خود را در برابر حضور سربوسس های امنیتی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در خاکش تعریف کند یا تنها به لیخن‌دهای دیپلماتیک و توافقات روی کاغذ اکتفا خواهد کرد؟

پذیرش ضرورت تعامل اقتصادی با همسایگان هرگز نباید به معنای چشم‌پوشی از واقعیت‌های راهبردی میدان باشد. رئیس‌جمهور محترم برآینده‌نگری تأکید دارند؛ اماآینده بدون تضمین‌های سفت‌وسخت امنیتی، تکرار خسارت‌های گذشته است. آیا ابوطیبی تضمین می‌دهد که پناهگاه امن شبکه‌های پولشویی و اخلا‌لگران ارزی علیه شبکه مالی ایران نباشد؟ آیا می‌توان دست دوستی را فشر در حالی که زیرساخت‌های اقتصادی و بندری آن کشور همچنان بستر تحریم‌پذیری و فشار بر معیشت ملت ماست؟

دیدار حاشیه‌نشست‌های بین‌المللی نظیر بریکس و تمرکز بر همکاری‌های تجاری، روی کاغذ یک گام رو به جلوست؛ اما دیپلماسی تجاری نمی‌تواند د نباید سایه سنگین تهدیدات نظامی را نادیده بگیرد. سوال راهبردی اینجااست؛ آیا همسایگان جنوبی ما حاضرند هزینه‌های گزاف امنیتی سازی خلیج فارس و حضور نظامی بیگانگان در منطقه را متوقف کنند؟ آیا تضمین‌های وجود دارد که دل‌راه‌های نفتی این کشورها باردیگر در خدمت پروژه‌های امنیتی‌سازی علیه ملت میب ایران قرار نگیرد؟ تجارت مهم است، اما امنیت ملی معامله‌بردار نیست.

ضرورت گشایش‌های اقتصادی و تنش‌زدایی با همسایگان امری انکارناپذیر است، اما نباید به بهانه توسعه روابط، چشمان خود را بر روی کارت‌های بازی دشمن ببندیم. وقتی سخن ازورق‌زدن صفحه گذشته با امارات به میان می‌آید، باید توجه داشت که این کشور دارای پرونده باز د‌خالت‌های منطقه‌ای در یم‌ن و خلیج فارس است، قطعاً نمی‌توان از امنیت‌پایدار سخن گفت در حالی‌که حریم هوایی و بندری کشورهایی نظیر امارات در یم‌ران‌های گذشته به پایگاه لجستیکی فشار بر ضد ایران

بقای در نشست خبری:

زیردریایی غنیمت است و غنمیت حلال

نمی‌گیریم. برای مثال، قیمت نفت امروز افزایش یافت، اما شما نمی‌توانید صرفاً به دلیل بالا و پایین رفتن یک قیمت، تصمیمی را بگیرید یا نگیرید. بقایای خاطرنشان کرد، ما نباید به خاطر اقدامات سنجیده دیگران یا بدعهدی دیگران، اقدامات منفی و آینده‌نگرانه خوددمان را زیر سؤال ببریم. اینکه ایران و عمان به عنوان دو دولت، در مورد موضوعی که منحصر مربوط به خودشان است تصمیمی گرفته‌اند و در مورد متنی تفاهم کرده‌اند و در اسارتی یک رویکرد مسئولانه و دوراندیشانه، در یک جلسه با حضور کشورهای منطقه آن را عرضه کنند، به نظر در راستای حکمت تصمیم‌گیران است.

وی ادامه داد: آنچه بین ایران و عمان در رابطه با تأمین مسیرهای دریانوردی و معروف به دولت ساحلی و حاکمیتی و حاکمیت آنها در نظر گرفته شده، بعد از هفته‌ها مذاکره بین دو کشور حاصل شده، قرار هم بر این بود که صرفاً در این نشست این موضوع طرح شود. این فرصتی بود که ایران و عمان فراهم کردند و انتظار می‌رفت که کشورهای منطقه فرصت‌شان را فرستند و قن‌ردان این فرصت باشند. اگر واقعا قائل به این هستند که ما باید به عنوان همسایگان دائمی، باوجود همه بحث‌هایی که داشتیم و باوجود همه شکایت‌های به حق که داریم، به خاطر عملکرد بعضی از کشورها، دورهم بنشینیم و درباره ایجاد منطقه امن، به دور از مداخله بازیگران، گفت‌وگو کنیم، این فرصت مناسبی بود. فکر نمی‌کنم هیچ طرف مسئولی بپذیرد که این فرصت را باید به ه‌ردلیلی، چه به دلیل اعمال نفوذ طرف‌های خارج از منطقه و چه به دلیل بهانه‌جویی‌هایی که واقعا هیچ ارتباطی به ایران ندارد، از دست بدهیم. سخنگوی وزارت خارجه افزود، خبری که مطرح شده درست است، اینکه عربستان درخواست کرد این نشست فعلاً برگزار نشود. آن بحث‌هایی هم که مطرح می‌شود در مورد انتساب اتفاقاتی که بین آنها و یم‌ن در جریان است، حقیقتاً آدرس اشتباهی است. با دادن آدرس اشتباهی، مشکلات حل نمی‌شود. مشکلات یم‌ن ریشه طولانی‌مدت دارد. وی ادامه داد، ما به عنوان جمهوری اسلامی ایران همواره گفتیم، تلاش کردیم و در عمل نشان دادیم که حاضریم برای حل وفصل موضوعات کمک



توسعه روابط با همسایگان یک اصل اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است؛ امری که بسیار نیز ضروری است اما در این میان باید توجه داشت که ما در یک جنگ وجودی و موجودیتی با دشمن جنایتکار و غدار آمریکایی به سر می‌بریم که برخی کشورهای همسایه ما را به حیاط خلوت خود تبدیل کرده است. اینکه ما با کشوری همچون امارات، روابط دوستانه را تجدید کنیم فی نفسه امر مبارک و مستحسنی است اما باید توجه داشت که در همین جنگ تحمیلی ۴۰ روزه و در تجاوزات بعد از آن، از ناحیه همین امارات چه ضرباتی به کشور ما و مردم ما وارد آمد.

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان در حاشیه نشست بریکس در هند با ولیعهد امارات متحده عربی دیدار کرد و در این دیدار تأکید کرد که دو کشور ایران و امارات باید گذشته را کنار بگذارند و به آینده نگاه کنند. قطعاً همانطور که مدنظر رئیس‌جمهور محترم کشورمان است تجدید روابط با امارات می‌تواند برای ما مزیت داشته باشد و در حوزه مسائل اقتصادی و مالی برای ایران، آورده داشته باشد؛ اما در میان چند سوال را باید پاسخ گفت؛ نخستین سوال آن است که آیا امارات حاضر است تهدید دهه که دیگر از پایگاه‌های نظامی‌اش توسط آمریکا به مردم ایران حمله نمی‌شود؟ آیا امارات تعهد می‌دهد که دیگر چشم طمع به جزایر سه‌گانه ایرانی نداشته باشد؟ آیا امارات تعهد می‌دهد که ایستگاه‌های موساد را در سرزمینش تعطیل کند؟ آیا امارات تعهد می‌دهد که دیگری به عناصر تروریستی و تکفیری در جنوب شرق ایران، کمک مالی و لجستیکی نکند؟

خیانت، فراموش نمی‌شود

بدون تردید، تقویت دیپلماسی منطقه‌ای فی‌نفسه امری عاقلانه و مقتضای عزت سیاسی است، اما نباید فراموش کرد که همین کشورهایی که امروز بر سر میز مذاکره با آنان می‌نشینیم، در جنگ‌های تحمیلی ۱۲ روزه و ۴۰ روزه، حریم هوایی و بنادر و خاک خود را در اختیار دشمن صهیونیستی و آمریکایی قرار دادند و آتش تجاوز را داغ‌تر کردند. دوستی با همسایه نباید به قیمت فراموشی خیانت باشد. سیاست همسایگی، اصل درست و راهبردی است؛ اما همسایگی معنا و سلسله‌مراتب دارد. وقتی کشوری چون امارات پایگاه هوایی بزرگ‌ترین دشمن ملت ما را در خاک خود جا داده است، یعنی در جنگ ترکیبی، خط مقدم و خط دیپلماسی در یک جغرافیا جمع شده‌اند و ما نباید غفلت کنیم که درگیری، وجودی است، نه صرفاً دیپلماتیک.

تجدید روابط با ابوطیبی را نه می‌توان نفی کرد و نه باید تعلیق کرد؛ اماآینه‌ای که تاریخ ۴۰ روز جنگ به ما نشان داد، روشن است؛ آنان در تحریم‌های بانکی و انتقال تجهیزات و پشتیبانی لجستیکی از ارتش متجاوز آمریکا، سهم ششم‌گیر داشتند. روابط را می‌توان گرم کرد، اما هوشیاری راهبردی را هرگز نباید سرد گذاشت. اصل حسن همجواری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، اصل ثاب‌ت و پرخاسته از فقه سیاسی و عقلانی انقلاب است، لکن این اصل بدان معنا نیست که خیانت‌های ثبت‌شده در پرونده دو جنگ تحمیلی اخیر به با‌یگانی سپرده شود. وحدت منطقه‌ای مطلوب است، اما وحدتی که بر پایه فراموشی خون شهدا شکل بگیرد، وحدت نیست؛ تسلیم است.

ابهامات تجدید روابط با امارات

نگاه به آینده و عبور از گذشته، شعارى جذاب در دیپلماسی است، به شرط آنکه طرف مقابل دست از سیاست‌های مخرب خود بردارد. وقتی از توسعه مناسبات با کشورهای حاشیه خلیج فارس سخن می‌گوییم، آیا این پرسش طرح شده است که



وقتی دشمنی با ایران سبب می‌شود قواعد حرفه‌ای را زیر پا بگذارى! دروغ‌نامه نیویورک‌تایمز

روزنامه نیویورک‌تایمز روز یکشنبه ۲۲ شهریورماه در گزارشی سراسر دروغ و کذب به نقل از چند مقام ایرانی نوشت، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان پس از حمله نیروهای سپاه پاسداران به سه کشتی تجاری در تنگه هرمز در اوایل تیرماه گذشته، به شدت خشمگین شده و این اقدام را بی‌پروایانه و غیرمسئولانه خوانده است. مقاله جدید نیویورک‌تایمز به قلم فرناز فصیحی بدون ذره‌ای تردید با گزاره‌های سراسر دروغ و جعلی به رشته تحریر درآمده است. مقاله با تیرتی که از اصطلاح تندرویان ایران استفاده می‌کند در تلاش است تا تفاهم اسلام‌آباد که از روزاول مرده به دنیا آمده بود را مقتول جناح انقلابی ایران و رهبر انقلاب معرفی کند. از سوی دیگر تلاش فصیحی برای نشان دادن و القای دوگانگی در نظام تصمیم‌گیری ایران با اتهام‌زنی به نظامیان و ادعای مضحک اختلاف آنان با سیاستون، مشهود است. القای دوقطبی میان دستگاه دیپلماسی و نیروهای مسلح، پروژه‌ای تکراری و نخ‌مسافت که اتاق فکر جریان سلطه درواشنگتن، ه‌ر بار با دست‌مایه قرار دادن یک رویداد میدانی، آن را کلید می‌زنند. نیویورک‌تایمز و امثال فصیحی، با قلب واقعیت و ساختن روایت مطلوب آمریکا، بیش از آنکه به دنبال گزارش‌گری باشند، در حال مهندسی افکار عمومی برای ایجاد شکاف در انسجام ملی ایران هستند؛ سناریویی که باوجود هزینه‌های گزاف رسانه‌ای، همواره با هوشیاری نخبان سیاسی و نظامی کشور به شکست انجامیده است.

استناد به منابع مجهول و ناشناس برای ساختن گزاره‌های دروغین و اتهام‌زنی به نهادهای انقلابی، امضای همیشگی خبرنگاران نیویورک‌تایمز در پرونده ایران است. این رسانه با وارونه‌سازی جایگاه جلد و شهید و با هدف تخریب بازدارندگی نظام، تلاش می‌کند اقدامات مشروع دفاعی سپاه پاسداران را بی‌پروا جلوه دهد تا فضای دیپلماتیک را برای امتیازگیری حاکم‌تری آمریکا هموار کند. این دیپلماسی دروغ‌پردازی، نه برای حقیقت، که برای تغییر محاسبات تصمیم‌گیران ما طراحی شده است.

ماموریت ویژه فصیحی

فرناز فصیحی و حلقه رسانه‌ای همسو با او، مدت‌هاست که از لباس خبرنگاری خارج شده و در کسوت پیاده نظام جنگ روانی علیه ملت ایران عمل می‌کنند. تلاش مستمر آنان برای القای اختلاف میان دولت و بدنه نظامی کشور، تلاشی مدیوحانه برای ناامید کردن مردم از اقتدار نظام است. وقتی رسانه‌ای با تیتزه‌ای زرد و جنجالی، به جای انتشار منصفانه اخبار، به دنبال فتنه‌انگیزی داخلی است، مخاطب هوشمند به خوبی درک می‌کند که این نه گزارش خبری، که بخشی از پازل فشار حاکم‌ثرتی است.

امپراتوری رسانه‌ای آمریکا، از نیویورک‌تایمز تا سایر شبکه‌های معاند، پس از شکست‌های پیاپی در میدان نبرد، اکنون تمام تمرکز خود را بر میدان روایت‌ها گذاشته‌اند. جعل خشم خیالی مسئولان کشور پس از عملیات‌های دفاعی، تلاشی است برای القای ضعف در اراده سیاسی کشور. این نوع خبرسازی‌های شمشزکننده، بیش از هر چیزی نشان‌دهنده استیصال دشمن در برابر قدرت تصمیم‌گیری راهبردی جمهوری اسلامی ایران است؛ دشمنی که نمی‌تواند بپذیرد دیپلماسی و میدان، هر دو در خدمت منافع ملی ایران مقتدر قرار دارند.

البته این نخستین بار نیست که فرناز فصیحی و روزنامه نیویورک‌تایمز به دروغ‌گویی و وارونه‌نمایی در میدان نبرد، اکنون تمام تمرکز خود را آمریکایی نیویورک‌تایمز با حضور فرناز فصیحی، خبرنگار زن ایرانی‌تبار علناً به منبعی برای دروغ‌پردازی علیه کشورمان تبدیل شده است. در بزنگاه‌های خبری و حوادث مختلف این ماشین دروغ‌پردازی به کار می‌افتد تا با استفاده از یک منبع رسمی خبری، افکار عمومی ایران را منحرف کند.

دروغ‌های کلکسیونتی فصیحی دارای المان‌های قابل‌تاملی از جمله منبع‌سازی فیک و جعلی است. وی در اوایل سال ۱۴۰۴ در یکی از دروغ‌هایی‌که درباره انفجار بندر شهید رجایی نوشته بود منبع خبری خود را نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خوانده بود! موضوعی که بلافاصله تکذیب شد اما خاصیت دروغ‌تند و تیز در میان افکار عمومی آن هم زمانی‌که جامعه به خبرنا‌برمیری دارد و عطش خبری در میان حوادثی مانند آتش‌سوزی بندر شهید رجایی با چنین اخبار جعلی مرفّفع می‌شود، باعث ایجاد نگرش‌های عمیق انحرافی شده‌که تصحیح آن کار رسانه‌ای مجذانه نیاز دارد.

فرناز فصیحی نشان داد که ماموریت تام و تمامی با برندن رسانه‌ای نیویورک‌تایمز برای انحراف افکار عمومی ایران دارد. در فضای شبکه‌های اجتماعی از فصیحی به عنوان یک فیک‌نیوز یاد می‌شود که باید در خصوص اخباری به‌طور جدی تردید کرد. وی نیویورک‌تایمز را به یک فیک‌نیوز در میان ایرانیان تبدیل کرده است.



اخلاق رسانه‌ای، یعنی ک‌شک!

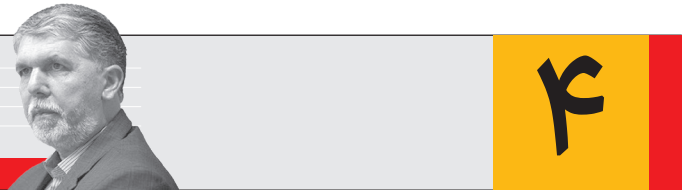
مجموعه دروغ‌های نیویورک‌تایمز نشان می‌دهد این رسانه آمریکایی با توجه به سیاست دشمنی که در قبال ایران دارد هیچ کدام از حساسیت‌های خبری و مراحل صحت‌سنجی و قواعد حرفه‌ای تهیه‌خبر را رعایت نمی‌کند. رویکرد جهت‌دار و آمیخته به کذب نیویورک‌تایمز در پوشش تحولات ایران، پرده از این واقعیت برمی‌دارد که اعتبار حرفه‌ای برای این نشریه، تنها پوششی ظاهری برای پیشبرد دستورکارهای خصمانه دولت آمریکا علیه ملت ایران است.

این سبک خبرسازی‌های مغرضانه نشان می‌دهد که اتاق‌خبر نیویورک‌تایمز عملاً به یک اتاق جنگ روانی علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. جایی که در آن، اخلاق رسانه‌ای و اصول صحت‌سنجی فدای اهداف کلان سیاسی واشنگتن می‌شود. تکرار اد‌عاهای بی‌اساس در گزارش‌های نیویورک‌تایمز پیرامون ایران ثابت می‌کند که این رسانه، نه یک منبع خبری متعهد به واقعیت، بلکه بازوی تبلیغاتی دستگاه استخبارات که برای ترور روانی افکار عمومی، اصول اولیه خبرنگاری را عمادانه زیر پا می‌گذارد.

سید عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی؛

دغدغه‌های رهبر شهید درباره‌کنگره‌های شهدا، مدنظر قرار گیرد

سه‌شنبه/ ۲۴ شهریور ۱۴۰۵/ شماره ۶۳۸



ضرورت فعالیت مروجان در فضای کتابخوانی ایران تاثیرگذارترین ژانر کتاب، «رمان» است

جای خالی نقد، سال‌ها و حتی دهه‌هاست که در فضای ادبی ایران مشاهده می‌شود. برخی معتقدند در نبود نقد، سلیقه مخاطب کتاب امکان رشد پیدا نمی‌کند و ممکن است تبلیغات آثار پرفروش، مخاطبان کتاب را به آن سمت هدایت کند. در این میان مروجان کتاب چه نقشی دارند؟ آیا مخاطب رمان باید درباره اصول نقد آگاهی داشته باشد و مبانی را به شکل تخصصی دنبال کند؟ یا باید مخاطبان را آزاد گذاشت تا سلایق خود را دنبال کنند و با مطالعه کتاب برای دقایق و ساعاتی بتوانند از مسائل و مشکلات زندگی فاصله بگیرند؟

فرناز شهیدنالت، مترجم و مروج کتاب، معرفی کتاب با کیفیت را وظیفه مروج کتاب می‌داند. به نظر او مخاطب نمی‌تواند بگوید که درام داستان ضعیف بود، اما در مجموع از کتاب لذت نمی‌برد و به همین دلیل سخت به سمت اثر بعدی می‌رود. در نتیجه این وظیفه مروج کتاب است که به افرا، کتاب مناسب با ویژگی‌های آنها را معرفی کند.

■ **به نظر شما کسی که با نقد و مسائل ویرایشی آگاه نباشد، از مطالعه کتاب لذت بیشتری می‌برد یا فردی که این اطلاعات را فرافراغت است؟**
من با این مقدمه که کار و تخصص من نقد ادبی نیست، شروع می‌کنم، اما سال‌ها در حوزه ادبیات، ادبیات داستانی و نشر کار کردم. کار تخصصی من سال‌ها نوشتن و ویرایش بوده است و با ناشران مختلف همکاری کردم. تمام عمرم در همین حوزه کار کردم. کار دیگری که انجام دادم و به نظر خودم کار مهمی است و خوب می‌شود که دوستان به شکل تخصصی این کار را انجام بدهند. معرفی و ترویج کتاب است و نه نقد. من منتقد نیستم بلکه مروج کتاب هستم. وقتی فرد کتابی را معرفی می‌کند درست است که باید نقد و نظریه‌ها را بداند اما باید با مخاطب عام در ارتباط باشد. رمان نویس برای جذب کردن افرادی این اثر را نوشته است. قرار نیست از مخاطب انتظار داشته باشیم که نظریه ادبی بخواند. به نظر من یکی از دلایلی که ما شکوه، شکایت و گله می‌کنیم که چرا مردم کم رمان می‌خوانند به دلیل این است که توقع داریم مردم رمان‌هایی را بخوانند که استناد ردهای ادبی را رعایت می‌کنند. اما مخاطب، رمان را می‌خواند تا از آن لذت ببرد.

مروج کتاب باید کارش را حرفه‌ای انجام بدهد تا اثری دست مخاطب برسد که از آن لذت ببرد. یعنی قرار نیست که مخاطب به من نویسنده، مترجم و ویراستار نمره بدهد. زیرا تخصص او این نیست؛ اما کتاب را برمی‌دارد و می‌خواند. وقتی برایش جذاب نیست آن را کنار می‌اندازد. مخاطب در اصل نمی‌داند که کتاب به دلیل صفحه‌آرایی زورمه‌ر فاصله بگیرد (منظور من این نیست که رمان باید شاد باشد بلکه از شرایطی که در آن است بیرون بیاید) حتی ممکن است مخاطب با دیدن بدجختی فرد دیگر، چیزی که میرزا الیاده (Mircea Eliade) یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین مفکران و پژوهشگران در حوزه دین‌شناسی، اسطوره‌شناسی و فلسفه به آن اشاره می‌کند، اتفاق بیفتد. او با نگاه پدیدارشناختی و بررسی‌های اسطوره‌ای می‌گوید این حالت شفا دارد. خلاصه نگاه او این است که وقتی رمان و داستانی را می‌خوانید همان جذب شدن است که باعث می‌شود از زندگی واقعی فاصله بگیرید. من این باخورد را داشته و دوستی به من گفت زمانی که رمانت را می‌خواندم احساس کردم که حال بهتری دارم. در معرفی کتاب هم بیان مسائل تخصصی اشتباه است و نباید در معرفی کتاب از واژه‌های تخصصی و نظریه‌های نقد استفاده شود. زیرا کسی قرار است کتاب را بخواند که کار تخصصی و جدی او ادبیات نیست و قرار است که خودش را به یک دنیایی که آن را تجربه نکرده است، به موقعیتی که با خواندن آن داستان لذت می‌برد، وصل کند. لذت ازواژه معدود به حال خوب نیست، ما در این بخش هنوز ضعیف هستیم.

■ **اینکه می‌گویند نقد برای پیشرفت ادبیات ضروری است ، منظور پرورش ذهن مخاطبان است یا فعالان ادبی؟**
فکر نمی‌کنم که منظور مخاطبان باشد، البته استادان حوزه ادبیات باید درباره این مساله صحبت کنند نگاه من به عنوان کسی که کارش ادبیات و کتاب بوده این است که نقد ضروری است اما نه برای مخاطب کتاب. زیرا قرار است که نقد کمک کند تا مطلبی تولید شود و به دست مخاطب برسد که کیفیت بالایی داشته باشد. ■ **آیا ذهن مخاطب در نبود نقد به سمت کتاب‌های پرفروش می‌رود یا بعد از آن زمان عامه‌پسند، به سمت کتاب‌هایی با کیفیت بهتر می‌رود؟**
مانعی توانیم درباره فضای ادبی ایران صحبت کنیم. زیرا من قائل به این هستم که نقد ادبی باید باشد و کار خود را انجام بدهد. این مثال رنه واکل، ویراستار کتاب «دستافیسکی درده روایت» است. می‌بینید که نوشتن این نقدها به ادبیات کمک می‌کند. در جامعه ما مسائل مختلف می‌تواند بر نقد تاثیر بگذارد به خصوص اگر افرادی که در نقد فعالیت می‌کنند، اساسا درک درستی از نقد نداشته باشند؛ این را می‌بینیم و در این مساله تعارفی نداریم؛ اما اینکه چطور مخاطب از خواندن رمان‌هایی که به اصطلاح عامه‌پسند هستند با ادبیات جدی و با ادبیات با کیفیت بالایی آشنا شود، این وظیفه مروج کتاب است تا مخاطب را با کتاب آشنا کند و نه منتقد.

به نظرم مهم‌ترین و تاثیرگذارترین ژانر کتاب «رمان» است. زیرا همه چیز در آن وجود دارد. زندگی در آن است. همچنین هرکس در حوزه تخصصی خود می‌تواند کتاب و رمان را برای اوقات فراغت بخواند و برای این اوقات قرار نیست نقد ادبی بخواند. اما مروج کتاب باید به او بگوید که این کتاب این هفته منتشر شده است و موضوع آن این است و درباره این چیزها صحبت می‌کند و این ایده را به او بدهد که اگر ادبیات عامه‌پسند می‌خواند رمان‌های دیگری هم بخواند. شاید کم از آنها هم لذت ببرد. زمانی در رادیو برنامه معرفی کتاب در حوزه ادبیات داستانی داشتم و ممنوع‌الپخش و ممنوع‌الکار شدم در حالی که مدیر گروه به من اعلام کرد که برنامه تو بهترین برنامه شبکه ماست. همان زمان ممنوع‌الکار شدم و دلیل آن را پیگیری کردم اما به من جواب ندادند.

افرادی داریم که اسم کتابی را که معرفی می‌کنند اشتباه بیان می‌کنند؛ برای همین تربیت مروج در کنار منتقد کتاب مهم است و این دو حوزه‌هایی جداگانه هستند. برخی از مخاطبان آن برنامه به من پیغام می‌دادند که کتابی را که معرفی کردید دوست داشتیم بفخوانم و من می‌فهمیدم که کارم را درست انجام می‌دهم، زیرا کتاب را معرفی می‌کردم که شخص بر اساس سلیقه شخصیت و موقعیت خود می‌تواند آن را بشناسد. زیرا افراد به دلیل محدودیت مالی و زمانی باید کتاب مناسبی را برای خود انتخاب کنند. اگر هر فردی کتاب نادرست را شروع کند ممکن است نتیجه بگیرد که رمان ایرانی به درد نمی‌خورد. در حالی که همان کتاب را فرد دیگر با توجه به شخصیت و سلیقه خود انتخاب می‌کند و از مطالعه آن لذت می‌برد. من به عنوان مروج کتاب باید توجه داشته باشم که نیم‌نگاهی به بالا بردن سطح سلیقه داشته باشم.

اینکه بتوانیم مخاطب خود را بشناسیم و بدانیم که در این موقعیت چیزی می‌تواند برای او اهمیت داشته باشد و کتاب‌های با کیفیت‌تری را بخواند تا در زندگی شخصی به او بیشتر کمک کنند. وظیفه مروج است و نه منتقد و چیزی که فضای کتابخوانی ما به آن نیاز دارد مروج کتاب‌هایی است که در کار خود مسلط باشند و امروز امکانات متعدد برای این بخش وجود دارد که افراد بتوانند کتاب را معرفی کنند. اما اینکه افراد تا چه اندازه کتاب را می‌شناسند، موضوع دیگری است. افرادی داریم که اسم کتابی را که معرفی می‌کنند اشتباه بیان می‌کنند؛ برای همین تربیت مروج در کنار منتقد کتاب مهم است و این دو حوزه‌هایی جداگانه هستند.

شهریورماه بیروت درسال ۱۳۶۱ (مصادف با سپتامبر ۱۹۸۲)، با بوی تلخ باروت و خاکستری آغشته به خون پیوند خورد؛ شبی که سایه شوم مرگ برکوچه‌های تنگ و نمور دو اردوگاه بی دفاع آوار شد و صبرا و شتیلا در سکوت سرد و تپانی مدعیان حقوق بشر، به مسلخ تاریخ بدل شدند. سه شبانه‌روز تیغ و آتش، پیگره‌های بی‌پناه و ضجه مادرانی که زیر آوار سیمانی را اردوگاه دفن شدند، زخمی ابدی بر پیکر جهان عرب و حافظه تاریخی بشریت نشاند. با این همه، آنچه اشغالگران و هم‌پیمانانشان در گورهای دسته جمعی مدفون پنداشتند، پایان داستان نبود؛ بلکه آغازی پرشور بر رستاخیز واژه‌ها، بوم‌ها و فریم‌های جاودانه شد. ادبیات و هنر مقاومت از همان بامداد خونین، به سنگر ثبت حقیقت و دادخواهی مظلومیت بدل شد. صبرا و شتیلا تنها یک مرثیه برای گذشته نیست؛ آینه‌ای است شفاف که حافظه زنده زیتون را به نبض تپنده پایداری و ایستادگی امروز پیوند می‌زند.

چهل و اندی سال پیش، در روزهایی که بیروت، عروس سوخته خاورمیانه نامیده می‌شد، یکی از تاریک‌ترین صفحات تاریخ معاصر رقم خورد. اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی «صبرا» و «شتیلا» در جنوب بیروت، میزبان هزاران خانواده آواره ای بودند که پیش‌تر در سال ۱۹۴۸ طعم تلخ نکت و آوارگی از دیار مادری را چشیده بودند. با خروج نیروهای مبارز فلسطینی بر اساس توافقنامه‌های بین‌المللی و تضمین‌های کاغذی برای حفظ امنیت غیرنظامیان، محاصره اردوگاه توسط ارتش اشغالگر کامل شد. غروب ۱۶ سپتامبر، آسمان اردوگاه با منوره‌های ارتش صهیونیستی روشن شد، روشنائی مرگباری که راه را برای شبه‌نظامیان باگرد تا تاریکی کوچه‌ها، سناریوی هولناک قتل‌عام را با کا کاگرد، قمه و گلوله به اجرا درآورد. تا ظهر ۱۸ سپتامبر، هزاران زن، کودک، سالخورده و مرد غیرنظامی به فجیع‌ترین شکل ممکن قتل‌عام شدند. خانه‌ها روی سر ساکنانشان با بولدوزر تخریب و کوچه‌ها به رودی از خون بدل شد. اما در دل این ویرانی و میاه‌هی مطلق، هنرمندان و نویسندگان، وجدان بیدار انسانیت شدند تا اجازه ندهند رد این خون سرخ از خاطره جهان پاک شود.

شعر پایداری و رستاخیز واژه‌ها

ادبیات عرب و شعر پایداری، نخستین آینه‌ای بود که فریاد گلوهای بریده صبرا و شتیلا در آن طنین‌انداز شد. شاعران فلسطینی و عرب، شعرا را از یک واکنش صرفاً عاطفی فراتر برد و آن را به شناسنامه‌ای تاریخی و گلوله‌ای نمادین در برابر فراموشی تبدیل کردند.

محمود درویش و «مدیج الظل العالی» (ستایش سایه بلند)؛ شاید، رساترین و تکان دهنده‌ترین فریاد شعری درباره جنایات بیروت و صبرا و شتیلا، شاهکار بلند محمود درویش یعنی منظومه «مدیج الظل العالی» باشد. درویش که خود در پیروت محاصره شده زیسته بود، این شعرا مانند مرثیه‌ای حماسی برای اردوگاه‌ها و هجرت دوباره تلخ و شگفت‌انگیز، سکوت تنگین جامعه بین‌الملل را به چالش می‌کشد و می‌سراید، «صبرا، شبی است که خنجر در آن می‌رقصد / صبرا، تپش دلی است که از کالبد خاک بیرون زده ... چگونه این همه مرگ را در فجان صبحگاهی جهان می‌ریزند و جهان چشم برهم می‌گذارد؟»

درویش در این منظومه نشان می‌دهد که چگونه یک اردوگاه پناهندگی، بدل به پایتخت نمادین شرافت و پایداری ملتی می‌شود که هیچ سلاحی جز حقیقت ندارد.

نزار قبانی و شعر «واژه‌ها علیه تبانی»؛ نزار قبانی، شاعر نامدار سوری، با زبان گزنده و سرشار از خشم خویش، در قصایدی آتشین پس از کشتار صبرا و شتیلا، انتقاعا و سازش حاکمان عرب را نشانه رفت. قبانی بیروت و شتیلا را نماد قربانی شدن دهری‌نگاه معامله‌های پرت پرده دانست و با اشعاری صریح، گریه بر مزار کودکان شتیلا را به آتش‌نشانی برای خیزش نسل‌های بعد پیوند زد.

طاهره صفارزاده و پیوند فرامرزى شعر مقاومت؛ با پهنه ادبیات فارسی نیز شاعران متعهد نتوانستند در برابر ضجه‌های شتیلا سکوت کنند. طاهره صفارزاده با درک عمیق از ماهیت استعماری این جنایت، در اشعار پایداری خود به توصیف اردوگاه‌ها و کودکان پرپر شده زیر نور منورها پرداخت و نشان داد که رنج شتیلا مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و زبان مشترک تمام آزادگان جهان است.



بازتابی هویت مقاومت و پیوند نسل‌های از آن تمام انگل

بازتاب فاجعه صبرا و شتیلا در ادبیات و هنر پایداری

زیتون در خون

ادبیات داستانی و شاهکارهای مستند

ادبیات منشور و رمان نویسی نیز وظیفه جاودانه‌سازی این حافظه جمعی را بر دوش کشید. آثار متعددی در قالب رمان، زندگی‌نامه و گزارش‌های میدانی خلق شدند که هریک سندی خدشه‌ناپذیر از جنایت صبرا و شتیلا هستند.

■ **چهار ساعت در شتیلا**؛ **شهادت تکان دهنده ژان ژنه**؛ یکی از مشهورترین و اثرگذارترین آثار مکتوب درباره این واقعه، کتاب مستند «چهار ساعت در شتیلا» اثر ژان ژنه، نویسنده و نمایشنامه‌نویس سرشناس فرانسوی است. ژنه جزو نخستین غربی‌هایی بود که صبح روز ۱۹ سپتامبر، درست چند ساعت پس از پایان کشتار، همراه با چند دیپلمات و خبرنگار وارد اردوگاه شتیلا شد. متن ژنه، گزارشی اداری با مقاله‌ای بی‌روح نیست؛ مرثیه‌ای فلسفی، عریان و تکان‌دهنده است. او با جزئیاتی هولناک و در عین حال به شدت انسانی، بوی تعفن اجساد با‌دکرده زیر آفتاب شهریور بیروت، نگاه مات پیکره‌ای متلاشی‌شده و سکوت مرگبار کوچه‌ها را روایت می‌کند. او در این کتاب می‌نویسد،

«در میان سکوت اردوگاه، تنها مگس‌ها وزوز می‌کردند، مگس‌هایی که روی حفره‌های خالی چشمان کودکانی نشسته بودند که هرگز نفهمیدند چرا کشته شدند.»
کتاب ژان ژنه جرقه‌ای شد برای بیداری وجدان‌های خفته در اروپا و آمریکا و سندی شد بررد پای مستقیم ارتش اشغالگر در فراهم‌کردن سبتر جنایت برای افلاژنها.

■ **باب‌الشمس**؛ **رمان حماسه و اندوه**؛ الیاس خوری، نویسنده فقید لبنانی، در رمان «باب‌الشمس» (دروازه خورشید)، تاریخ شفاهی و رنج‌های ملت فلسطین را در لایه‌های مختلف روایت می‌کند. بخشی از این رمان به فاجعه صبرا و شتیلا اختصاص دارد. خوری با طرافات داستانی، زندگی پناهندگانی را روایت می‌کند که میان دو اردوگاه در رفت‌وآمد بودند و ناگهان با دیو مرگ روبرو شدند. این رمان بعدها به فیلمی درخشان نیز تبدیل شد.

نقاشی و پوسترهایی که فریاد می‌زنند

هنرهای تجسمی به دلیل زبان بصری و فرامرزى خود، سریع‌ترین و ماندگارترین راه برای ثبت حافظه صبرا و شتیلا بودند. نقاشان و گرافقیست‌های جبهه مقاومت، بوم‌ها را به خاک‌ریزهایی بدل کردند که دشمن نمی‌توانست آنها را اشغال کند.



پیش‌ریز فیلم و اهدای جوایز به سینماگران ایرانی قافم ملاحظات سیاسی است.

اظهارنظرهای ضدایرانی بردگان ایرانی چه معنایی دارد؟ در اتفاقی تاسف برانگیز یکی از بازیگران زن دسته چندم که به لطف میدان دادن مسئولان فرهنگی به وی و حضور در سریال سفیخ «آیان» تبدیل به سلبریتی نازل شده است، بعد از دریافت جایزه بهترین بازیگر زن از جشنواره ونیز، از اسارت‌های زنانه گفت در بند اسارت قرار دارند و منتظر آزادی هستند. این اظهارات دروغین که با گریه‌های مشمژر کننده و فریبنده‌ای همراه بود در واقع بیانیه مژورانه‌ای بود برای همسویی با سیاست

ضدایرانی برگزار کنندگان جشنواره ونیز.

وی در اظهاراتی به دور از انصاف گفت: «ما یلم به مردم

سرزمینم، ایران، اشاره کنم که تحت فشارهای تمام دوران

زندگی می‌کنند، ما یلم این جایزه را به زنان کشور اهدا

کنم که سنگین‌ترین هزینه‌ها را برای کمترین مقدار آزادی

پرداخته‌اند و امروز بیش از هر زمان T مسیر رسیدن به

روپاهای، رشادت‌ها و امیدهایشان را ادامه می‌دهند. من

باور دارم که روز روزیاهایمان برای مردم ما و همه ما به

واقعیت بدل خواهد شد.»

فرهنگ Culture

دوبید هاکنی و مونا حاطوم؛ از انتزاع تا واقعیت تلخ؛ بسیاری از هنرمندان بین‌المللی با الهام از تصاویر خبری مخایره شده از صبرا و شتیلا، آثاری خلق کردند. اما در میان هنرمندان عرب، «اسماعیل شموط» نقاش بزرگ فلسطینی، با خلق آثاری آکنده از نمادهای مقاومت، تراژدی شتیلا را به تصویر کشید. در نقاشی‌های او، مادران شتیلا با داستانی که به سوی آسمان دراز شده، همچون درختان زیتون ریشه‌دار تصویر شده‌اند که حتی اگر شاخ و برگشان را بزنند، ریشه‌شان در خاک استوار باقی می‌ماند.

پوستره‌های مقاومت، رسانه بیداری می‌شوند

پوستر در دهه ۶۰ میلادی و سال‌های پس از آن، به عنوان رسانه‌ای مردمی و تاثیرگذار عمل می‌کرد. طراحان فلسطینی با استفاده از نمادهایی چون چقیه خونی، کیوترهای بال‌شکسته بر فراز خیمه‌های اردوگاه و نام «صبرا و شتیلا» که به شکل سیم‌خاردار طراحی می‌شد، خشم و ایستادگی خود را فریاد زدند. این پوسترها نه تنها در خیابان‌های بیروت و دمشق، بلکه در دیوارهای دانشگاه‌های پاریس و لندن نیز نقش بستند تا صدای خاموش شادگان شتیلا باشند.

پرده نقره‌ای و قاپ‌های ماندگار

سینما، قدرتمندترین ابزار برای روایت جزئیات صبرا و شتیلا و پیوند دادن آن به حافظه بصری نسل‌های جدید است.

فیلم سینمایی «والس با بشیر»؛ اگرچه این انیمیشن مستند ساخته «آری فولمن» از زاویه دید یک سرباز صهیونی است که در زمان کشتار در بیروت حضور داشت، اما به دلیل کالبدشکافی فراموشی جمعی و به تصویر کشیدن بخشی از حقیقت هولناک آن شب‌ها (از جمله شلیک منورها توسط ارتش رژیم صهیونیستی برای تسهیل کشتار)، اثری قابل تامل و چنجالی است که تماشاگر آن ابعاد جدیدی از فاجعه را نشان می‌دهد.

مستند (صبرا و شتیلا) اثر رضوان سعاده؛ این مستند با استفاده از تصاویر آرشیوی بکرو مصاحبه با معدود بازماندگان فاجعه، روایتی دقیق و دست‌اول از سه روز جهنمی در اردوگاه ارائه می‌دهد. تماشاگر چهره‌های پر مردان و پیرزنانی که هنوز کلید خانه‌های مادری‌شان در یافا را به گردن دارند و از شب واقعه می‌گویند، هر بیننده‌ای را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

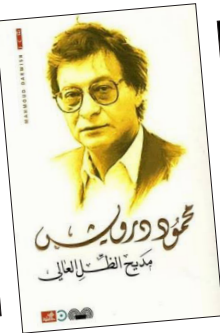
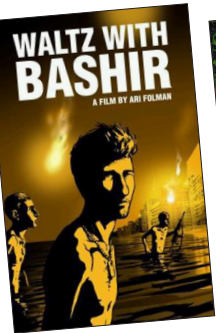
فیلم سینمایی «۳۰۰۰ شب»؛ اگرچه موضوع اصلی این فیلم «زندانیان زن فلسطینی است که به کارگردانی «می‌المصری» ساخته شده، اما در طین خود روح مقاومت و تاثیر فجایی چون صبرا و شتیلا بر اراده زنان فلسطینی برای بقا و حفظ هویت را به خوبی به تصویر می‌کشد.

تسلسل خون و مقاومت

امروز که آرستانه سالروز آن فاجعه تلخ قرار داریم، نمی‌توان میان فافظه زخمی صبرا و شتیلا و ویرانه‌های غره در سال ۲۰۲۴ ویرانه‌های ۲۰۲۵ تمایز قائل شد. تاریخ‌گویی در حال تکرار است، همان محاصره، همان سکوت بین‌المللی و همان بمب‌هایی که بر سر غیرنظامیان فرو می‌ریزد. اما یک تفاوت اساسی میان دیروز و امروز وجود دارد: حافظه زنده زیتون امروز به تاوروی رسیده است. اگر در سال ۱۳۶۱ (مصادف با ۱۹۸۲ میلادی)، جانبان تلاش کردند با محو فیزیکی ساکنان شتیلا، آرمان فلسطین را دفن کنند، امروز آن خون‌ها در رگ‌های جوانان «طوفان الاقصی» جریان یافته است. ادبیات و هنری که از دل ویرانه‌های شتیلا جوش می‌دهد، امروز در قالب ویدئوهای موبایلی رنگ‌رنگارن غزه و طرح‌های گرافیکی هنرمندان دیجیتال در سراسر جهان تکثیر شده است. صبرا و شتیلا دیگر تنها نام دو نقطه جغرافیایی در بیروت نیستند، آنها کدهایی هستند برای بازشناسی حق را بظل، «حافظه زنده زیتون» به ما می‌گوید که هیچ فاجعه‌ای پایان راه نیست؛ تا زمانی که قلمی برای نوشتن، بومی برای رنگ‌زدن و جنجره‌ای برای سرودن وجود دارد. آرمان آزادی فلسطین زنده خواهد ماند.

چرا باید به یاد آورد؟

زنده نگه داشتن یاد صبرا و شتیلا، صرفاً یک عمل آیینی یا مرثیه‌خوانی برای گذشتگان نیست؛ بلکه یک کنش سیاسی و انسانی در برابر پروژه «عادی‌سازی» است. دشمن تلاش می‌کند تا با تکرار جملاتی قبیح آنها را بربزد و حافظه تاریخی ملت‌ها را دچار فرسایش کند. اما هنر و ادبیات پایداری، نگهبانان این حافظه‌اند. معرفی کتاب‌هایی چون «چهار ساعت در شتیلا» به نسل جوان و بازخوانی اشعار درویش، سلاحی است که زنگار فراموشی را از چهره حقیقت می‌زداید. امروز صبرا و شتیلا در قلب هر مبارزی که برای عدالت می‌جنگد، نبض می‌زند و یاد او این حقیقت است که پیروزی نهایی نه از آن تانک‌ها و بولدوزرها، بلکه از آن واژه‌ها و ایمان‌هایی است که از خون شهیدان اردوگاه رویداده‌اند.



سهم ۶۷درصدی فیلم‌سازان استانی دربخش مسابقه آغاز جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ ازامروز

۱۷۰ فیلم درماراتن ثانیه‌ها



زیستن در جهان معاصر، دست وپنجه نرم کردن مداوم با بمباران خرده‌تصاویرپرآکنده‌است؛ جهانی شتاب‌زده‌که درآن تمرکزبصری مخاطبان زیرآوایی‌پایان‌ریزهای شبکه‌های اجتماعی و ویدیوهای سریع سوشیال مدیا به یقما رفته است. در این زیست‌بوم مصرف فوری، تصویر به محض دیده‌شدن فراموش می‌شود و کلیپ‌های فضای مجازی تنها به دنبال ایجاد شوک‌های حسی زودگذر و ارضای تحریکات سطحی‌اند. با این حال، مرز میان این مصرف‌بصری با خلق یک جهان دراماتیک منسجم در کمتر از دو دقیقه، همان خط فاصلی است که صنعت سرگرمی دیجیتال را از هنر اصیل سینما جدا می‌کند. فیلم ۱۰۰ ثانیه‌ای در اصلات ماهوی خود نه برشی شتاب‌زده از یک اثر بلند است و نه یک تیزر یا شیرین‌کاری فرمی؛ بلکه ساختاری هاشکوب‌مانند و مینیاتوری متحرک است که در آن گزیده‌گویی، چگالی معنا و حذف زوایای متجلی می‌شود. در این قالب نحیف اما بنیادین، هر فریم باید حامل اطلاعات دراماتیک باشد، هر زاویه دوربین نقشی ساختاری ایفا کند و سکوت‌ها به اندازه صداها بار قصه را به دوش بکشند.

امروز با روشن شدن چراغ‌ها در سالن‌های اصلی حوزه هنری، اتمسفری سرشار از کشف و جسارت شکل خواهد گرفت. سالن‌ها میزبان فیلم‌سازان نسل نو، دانشجویان تجربه‌گر و تماشاگران خواهند شد که در کسری از ساعت، ده‌ها افق زیستی متفاوت را بر پرده تجربه می‌کنند. جشنواره فیلم ۱۰۰ در بستر فرهنگی امروز ضرورتی انکارناپذیر است؛ چرا که سینمای بدنه ایران، فرسوده از کش آمدگی‌های بی‌دلیل و اسیر تکرار ملال‌آور الگوهای مستعمل، بیش از هر زمان به این بازآموزی نیاز دارد که چگونه می‌توان با دانیای سینمایی و تضات اجتماعی به پایان تکان دهنده را پیش از پایان صدمین ثانیه درخودآگاه مخاطب حک کرد.

نبرد برای آینده، وطن و کودک

پانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ به دبیری محدثه پیرهادی گامی فراتر از دوره‌های گذشته برداشته و در هدف گذاری مفهومی خود دست به بازتعریفی بنیادین زده است. ریاست شورای سیاست‌گذاری این رویداد با مدیریت حمیدرضا عففریان در سازمان سینمایی سوره، در تدوین خطوط راهبردی تأکید کرده است که دوران تک‌افتادگی در باثلاق سینمایی تلخ و تخت اجتماعی به پایان رسیده و سینمای خلاق نیازمند بازپایی قدرت تخیل، تنوع ژانر، امیدآفرینی و نگاه فراملی است. بازتاب این رویکرد را می‌توان در طراحی سه محور اصلی این دوره مشاهده کرد: محور «نبرد برای آینده» به عنوان افق پیش‌روی مسابقه ملی، محور «نبرد برای کودکان جهان» در بخش مسابقه بین‌الملل با تمرکز بر مظلومیت و مقاومت نسل‌های نو در جهان و سرانجام بخش ویژه «نبرد برای وطن» که به عنوان تریبونی واکنشی، تلاقانه و هنرمندانه در قبال تحولات سرزمینی، پایدار ملی و شهادت طراحی شده است.

این دوره همچنین با پذیرش اقتضائات نوین تکنولوژیک، دو بخش تحولی

«هوش مصنوعی» و سازوکار «حمایت از تولید قالب‌های کوتاه زنجیره‌ای» را در فراخوان خود گنجانند تا نشان دهد فرم‌های نوپدید داستان‌گویی در پیوند با ابزارهای نوین پردازش تصویر را به رسمیت می‌نماسد. پالایش اولیه این آثار به همت بخش انتخابی متشکل از چهره‌هایی چون مرتضی‌علی عباس‌میرزایی، سجاد انتظاری، مینا قاسمی‌زواره، فرزانه فخریان، حامد یامین‌پور، نازنین چیت‌ساز و سجاد بهمن‌آبادی انجام گرفت؛ شورایی که از میان انبوه فیلم‌های رسیده، سرانجام ۱۱۷۰ اثر را واجد صلاحیت‌های زبانی، تکنیکی و خلاقه برای رقابت پرده نقره‌ای تشخیص دادند.

صفرآرایی داستان و مستند: راه‌یافتگان و محک‌دواران

توزیع ۱۱۷۰ اثر راه‌یافته به جدول پایانی رقابت، ترکیب متوازنی از گونه‌های بیانی متنوع را پیش چشم مخاطب می‌گستراند؛ ترکیبی که شامل ۳۶ اثر در بخش مسابقه ملی، ۲۹ اثر در بخش مسابقه بین‌الملل و ۱۰۵ اثر متمرکز در بخش ویژه مسابقه «برای وطن» در قالب‌های داستانی، مستند، پویانمایی و تجربیات هوش مصنوعی است.

در بخش مسابقه بین‌الملل، پرده سالن‌های حوزه هنری شاهد تلاقی فرهنگ‌ها و روایت‌هایی جهانی از درد، ملح و کرامت انسانی خواهد بود. آثار همچون فیلم داستانی «بکشیم یا نه؟» اثر علی صالحی و پویانمایی «خاطرات لاک پشت سفید» اثر اکبر تراب‌پور در کنار آثاری برآمده از کانون تحولات منطقه مانند فیلم «زاویه دید» اثر بلال عاشور، «آنچه رخ نداده» ساخته بتول جونی و «هوی طلایی» به کارگردانی حسین زریب، گستره وسیعی از مواج‌ها انسان معاصر با بحران‌های پیرامونی را بازتاب می‌کنند. همچنین در عرصه مستند بین‌الملل، آثاری چون «طولانی‌ترین راه‌روی جهان» اثر مسعود دهنوی و «رخمه» اثر سید محسن مهاجری در رقابت با تجربیات هوش مصنوعی فیلم‌سازانی از سایر قاره‌ها حضور دارند.

در بخش مسابقه ملی، رقابت‌شان به شانه‌ای میان فرم‌های روایی داستانی و مستند‌های پرش‌گرانه شکل گرفته است. در شاخه داستانی آثاری چون «سلام به ملکه» ساخته احمد حیدریان، «سالن انتظار» به کارگردانی حسین فلاح‌آبادی، «بهار آزادی» از محمد دارابی، «دلبنده» ساخته محسن عقیلی و «په لیوان آب» اثر مهدی میرغیاثی به دلیل ایجاز دراماتیک مورد توجه هستند. در بخش مستند ملی نیز عناوینی چون «کاغذی به رنگ ایران» ساخته مژده اتنی عشری، مستند «۱۱۳» اثر مهدی شاهسواری و «محلّه» به کارگردانی محمد مهدی شیراوند در کنار پویانمایی‌هایی چون «وطن» ساخته حسنی عجمی و پروژه‌های نوآورانه هوش مصنوعی مانند «مترسک» اثر محمد مهدی راشدی روی پرده خواهند رفت.

بخش ویژه «برای وطن» نیز به پهنه‌ای برای روایتگری جوانان شهرهای مختلف ایران بدل شده است؛ عناوینی نظیر داستانی «قصه دلبری» ساخته حانیه غلامی از خراسان جنوبی، انیمیشن هجومیر «گنبد احمق» از حسن اسدی خانوکی، «انشای قهرمان» از محمد حسین امانی و مستند «گوترت» ساخته محمد نجفی نمونه‌هایی

تحسین‌شده از دراماتیزه‌کردن نمادها و آرمان‌های جمعی‌اند.

ارزیابی در بخش مسابقه داستانی به هیات داورانی متشکل از چهره‌های باسابقه بازیگری و سینمای کشور واکاگر شده است؛ تسرین مقالو، اتابک نادری، عادل تبریزی، محسن شایان‌فر، موهوش وکاری، امیرپدرفقه و الیکا عبدالرزاقی مأموریت تبریزی، محسن شایان‌فر، موهوش وکاری، امیرپدرفقه و الیکا عبدالرزاقی مأموریت

دارند ظرافت‌های کارگردانی و قدرت بیانی بازی‌ها را در مهلت ۱۰۰ ثانیه بسنجند. در حاشیه این رقابت‌ها، رویداد جنبی «صدربُرج» فضایی برای هم‌افزایی نسل جوان با اندوخته حرفه‌ای سینماگران پیشکسوت فراهم ساخته، در حالی که پیش‌تر نیز کارگاه‌های زنجیره‌ای و مهدانی «صد راه» با حضور فیلم‌سازانی همچون دانش اقیاشاوی و محمد علیزاده فرد در پهنه‌های استانی نظیر خوزستان، قزوین و کردستان به پرورش این ایده‌ها پرداخته بودند.

تداوم جریان یا فراموشی استعدادها

در مراسم پایانی دوره چهاردهم، علیرضا داوودنژاد بر صحنه تالار اندیشه حاضر شد و با اشاره به اینکه تسلط بر ایجاز، عنایت بخشیدن به گوهر دانایی سینمایی است، اعلام کرد که اگر مدیریت سینما دسوزانه و ارگانیک به حفظ و هدایت استعداد‌های نوپا نپردازد، سینمای هنری تضعیف شده و به تبع آن حتی سینمای تجاری نیز فرو خواهد ریخت. این پرسش همواره همراه جشنواره بوده: آیا کسانی که در ۱۰۰ ثانیه دست به کیبماگری می‌زنند، امکان ورود به بدنه رسمی فیلم‌سازی کشور را پیدا می‌کنند؟

شواهد نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر حلقه‌های اتصال میان جشنواره و بدنه تولید حرفه‌ای انسجام بیشتری یافته است؛ اعطای تسهیلات تولید فیلم کوتاه و تفاهم برای ساخت پروژه‌های بعد توسط سازمان سینمایی سوره توانسته مانع از رهاشدگی برخی برگزیدگان شود. حضور سوزانه انتظاری که در دوره قبل با اثر تحسین‌شده‌ای نوپا نپردازد، سینمای هنری تضعیف شده و به تبع آن حتی سینمای تجاری نیز فرو خواهد ریخت. این پرسش همواره همراه جشنواره بوده: آیا کسانی که در ۱۰۰ ثانیه دست به کیبماگری می‌زنند، امکان ورود به بدنه رسمی فیلم‌سازی کشور را پیدا می‌کنند؟

هنگامه بازخوانی پرده‌ها

از امروز صبح، پردیس مرکزی حوزه هنری به مدت چهار روز کانون تپش سینمایی نو‌جو، متعهد و خلاق خواهد بود. صدها جهان‌بصری با چیدمانی شبیه به یک پازل بزرگ به پرواز درمی‌آیند تا نشان دهند جهان معاصر چگونه در آینه‌نه نگاه نسل جوان بازتاب می‌یابد. ورود به سالن‌های نمایش برای اراخ عموم علاقه‌مندان به سینمای تجربی و کوتاه، دانشجویان هنر، اعضای انجمن سینمای جوانان و منتقدان و اصحاب رسانه رایگان بوده و براساس ترتیب حضور تا تکمیل ظرفیت صندلی‌ها در

بسته‌های نمایشی روزانه انجام خواهد شد.

نمایش و نقد آثار برگزیده، کارگاه‌های روزانه «صدبرج» با اساتید سینما و میزگردهای بررسی تحول هوش مصنوعی در سالن‌های جنبی برپا خواهد بود. آنچه از امروز بر این پرده‌ها جان می‌گیرد، نه فقط بازپایی زمان از دست‌رفته در روزمرگی شتاب‌زده معاصر، که نمایش جسارت نسلی است که ایمان دارد هنر ایجاز می‌تواند عمیق‌ترین زخم‌ها و بالاترین امیدها را، در چشم برهم‌زدنی ماندگار کند.

به مناسبت بیست‌وچهارم شهریور، سالروز درگذشت دکتر عبدالحسین زرین‌کوب

چرا جهان امروز به زرین‌کوب نیاز دارد؟

شکل گرفت. کتاب با استقبالی بی‌سابقه مواجه شد و نسخه‌هایش به سرعت فروخته شد اما هنگامی که ناشر برای چاپ مجدد پیش‌قدم شد، نویسنده اجازه تجدید چاپ نداد. او بیش از پنج سال انتشار دوباره را متوقف ساخت تا منابع را با ذهنی آرام‌تر و بدون دخالت احساسات بازبینی کند. زرین‌کوب سرانجام در فروردین ۱۳۳۴ با نگارش شبکه اجتماعی این جوانان را بی‌لعلد، پاسخ دوره پانزدهم به این علنا از «خامی و تعصب» نوشته‌های نخستین خود سخن گفت و فرارهای جانبدارانه را پیراست. او نه نقد‌های دیگران را با تبختر نادیده گرفت و نه در توجیه لغزش‌های قلمی به لجاجت روی آورد. نگارش آثاری تکمیلی مانند «کارنامه اسلام» در سال‌های بعد، نشان داد که اندیشه او تا چه پایه به تعادل و انصاف تمدنی دست یافته است.

همسفری با مسافر قونیه

عرفان و تصوف ایرانی—اسلامی قرن‌ها در انحصار اصطلاحات رمزی، متون دشوار و حکایت‌های اغراق‌آمیز کتاب‌های مناقب باقی مانده بود؛ وضعیتی که ادراک آن را برای مخاطبان جوان به دیواری نفوذناپذیر شبیه می‌کرد. زرین‌کوب با اثر برجسته «بلبله‌تا ملاقات خدا»، مرزهای سنتی تکنگاری‌های خسته‌کننده آکادمیک

کارگردانان فیلم «نازا» بعد از نمایش فیلم درونیز مورد تهاجم وزیران رژیم اشغالگر قرار گرفتند «نازا» مستندی که نباید‌ها را گفت



سینما گاهی فقط آینه‌ای برای بازتاب رنج نیست؛ گاهی خود به دادگاهی بدل می‌شود که پیچیده‌ترین و پنهان‌ترین سازوکارهای قدرت را به شهادت می‌طلبد. اتفاقی که در هشتاد و سومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز افتاد، یکی از همین لحظات نادر تاریخ معاصر سینما بود؛ جایی که نمایش جهانی یک اثر مستند، نه فقط اشک و شگفتی حاضران در جزیره لیدو، بلکه خشم افسارگسیخته و انتقام‌جویانه بالاترین مقامات تل‌آویو را برانگیخت.

«نازا، چیست و صدای چه کسانی را به گوش جهان می‌رساند؟ مستند «نازا» به NAZA) به کارگردانی دو مستندساز نام‌آشنا، یووال آبراهام و رچل زور ساخته شده است؛ همان چهره‌هایی که پیش‌تر برای هم‌کارگردانی اثر جسورانه «سرزمین دیگری نیست» (No Other Land) در کنار باسل عدرا جایزه اسکار را به خانه بردند. این بار اما اثر جدید آنها، با همراهی بخش مستند روزنامه گاردین، جیمز ویلسون و جانانا گلنیز (کارگردان تحسین‌شده «منطقه مورد علاقه») در قامت تهیه‌کننده به ثمر نشسته است.

عنوان فیلم برآمده از یک واژه هولناک اداری و نظامی است؛ «نازا» در ارتش اسرائیل، سرواژه‌ای رمزی برای تخمین رسمی «آسیب‌های جانی» و پیش‌بینی تعداد شهروندان غیرنظامی—زنان و کودکانی—است که در جریان یک بمباران هوایی کشته خواهند شد. فیلم در طول سه سال، در تاریکی شب‌های پشت‌بام‌های تل‌آویو و در فضای کامل امنیتی فیلم‌برداری شده است. عوامل فیلم پای صحبت ۲۴ مقام نظامی و افسر اطلاعاتی اسرائیل نشستند اند که هویت و صدای آنها با تغییرات دیجیتال ایستار شده است. این افشاشگری درونی نشان می‌دهد که نابودی محله‌ها، هدف قرار دادن خانه‌ها با تکیه بر سامانه‌های هوش مصنوعی (مانند لاوندر) و شنود آخرین کلمات کودکان پیش از شلیک، ناشی از «خطای انسانی» یا نافرمانی چند سرباز سرپازخسرنیوده، بلکه با یک طراحی سیستماتیک و اداری روبه‌رو هستیم که تلفات غیرنظامیان را از پیش محاسبه و امضا کرده است.

شکستن رکورد طولانی‌ترین تشویق تاریخ ونیز

اولین نمایش جهانی «نازا» در سالن اصلی جشنواره ونیز، جایی که تنها مستند حاضر در بخش رقابت اصلی بود، جوی سنگین و به شدت عاطفی ساخت. وقتی تیزرآپایانی تمام شد، حاضران در سالن گرنده با تشویقی ممتد و سرسام‌آور به مدت ۲۴ دقیقه و نیم (نزدیک به ۲۵ دقیقه) ایستادند تا تشویق سازندگان پرداختند. لفظی‌ای که به عنوان طولانی‌ترین ایستادن و دست‌زدن تماشاگران در تاریخ فستیوال ونیز ثبت شد و رکورد سال پیش فیلم «صدای هند رجب» را پشت سر گذاشت. در شب اختتامیه نیز هیات داوران ونیز این شجاعت مستند را بی‌پاسخ نگذاشت و جایزه ویژه هیات داوران را به این فیلم اهدا کرد.

انفجار خشم در تل‌آویو؛ از اتهام خیانت، تا زرمزه سلب تابعیت

اما این تشویق ایستاده و استقبال در ایتالیا، در سرزمین‌های اشغالی به تشویق آیتام‌آرین‌گویی و شتاب‌زدی تبدیل، ارعاب و نفرت به همراه داشت. از ساعات اولیه بازتاب جوایز، دولتمردان و جریان‌های راست افراطی اسرائیل همه سنگینی علیه یووال آبراهام و رچل زور به راه انداختند.

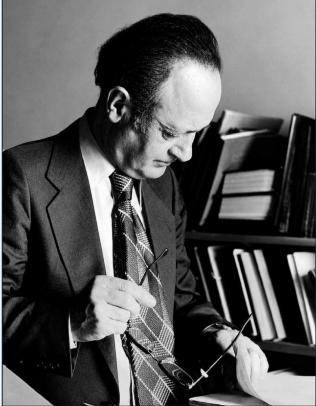
یکی زورهر، وزیر فرهنگ رژیم غاصب اسرائیل، در موضع‌گیری تند و بی‌سابقه‌ای در شبکه اجتماعی ایکس کارندگان را «خائن به وطن» خواند و مدعی شد آنها به خاطر گرفتن کف و سوت در مجامع غربی حاضر شده‌اند خاک خود را بی‌آبرو کنند. او تصریح کرد که بلافاصله پیگیری‌های قانونی را آغاز خواهد کرد تا تابعیت اسرائیلی این دو فیلمسازبرای همیشه لغو شود. اندکی بعد، ایتم‌آرین‌گویی وزیر امنیت ملی، از فیلمسازان «بشرم و ننگ ملت» توصیف کرد و با ادبیات خشونت‌بار خواستار طرد آنها شد. ارتش اسرائیل نیز سراسیمه با انتشار بیانیه‌ای، اد‌عاهای درون فیلم را تحریف شده خواند و اصالت شهادت‌نویرهای سابق خود را زیر سؤال برد.

این حجم از سراسیمگی و کینه‌توزی اتفاقی نیست. دهه‌هایی که جنایت از زبان ناظران بی‌رونی گزارش می‌شود، متهم کردن راویان به سوگیری یا پیش‌داوری آسان است اما آنچه در «نازا» رخ داده، شهادت چرخ‌دنده‌های نظامی است. مستند نه به خشم حامیان، بلکه به صورت‌های بی‌نام افسرانی چشم‌دوخته که در آرامش اتاق‌های تارک تارک دهه‌ها را بالا و پایین می‌کردند، تشویق بیست‌وپنجم‌ساله آشنایان تماشاگران درونیز، پیش از هر چیز پاسخی به همین واقعیت بود؛ تل‌آویو با فریاد زدن بر سر سازندگان و تهدید به باطل کردن گذرنامه‌شان، نشان داد ترسی که از افشاش شدن حقیقت دارد، به‌مراتب فراتر از درد سرزدن و مجسمه‌های دریک جشنواره سینمایی است.

و رمان‌های پرچایبه زندگی‌نامه‌ای را درنوردید. او عامدانه از آوردن پی‌نوشت‌های بی‌پایان و نقل‌قول‌های بازدارنده چشم‌پوشید تا مسیر حرکت روایت، شفاف و زنده بماند. در این کتاب، جلال‌الدین محمد لیکس از هادلی انتزاعی و دور از زمین، بلکه کودکی وحشت‌زده در کاروان مهاجرت از بیم یورش مغول، دانشمندی پایبند به مسند فتوا و عاقبت سالکی ناآرام است که در آتش همنشینی با شمس تبریزی درگروگن می‌شود. زرین‌کوب این استحاله روحی را چنان ملموس ترسیم کرد که خواننده، حرارت شوریذگی و حیرت مولانا را در وجود خود حس می‌کند.

چراغی برای روزگار شتاب و خشم

در دنیای معاصر که شبکه‌های پرهیاهو، تک‌گویی‌های شتاب‌زده، اظهارنظرهای سطحی و دوقطبی‌سازی‌های فرهنگی فضا را اشباع کرده‌اند، رویکرد و شیوه زیست علمی عبدالحسین زرین‌کوب درس‌آموتر از همیشه به نظر می‌رسد. او نشان داد وسعت اندیشه نیازی به تحقیر مخاطب ندارد و زبان فارسی هنگامی که با نجابت، ذوق ریاضی و صلابت فکری عجین شود، ظرفیتی بی‌پایان برای آگاهی‌بخشی می‌یابد. او به آیندگان یاد داد که بازنگری دردیدگاه‌ها نشانه بالندگی عقلانی یک پژوهشگر است. زرین‌کوب در ۲۴ شهریور ۱۳۷۸ احیات را بدرود گفت. ولی میراث نوشتاری‌اش همچنان پلی مطمئن میان انسان سردرگم امروز و گنجینه‌هویت‌گشسته است. او راوی منصفی بود که کلمات را زندگی کرد، تاریخ را از سکوت رهانید و نشان داد که حقیقت همواره در روشنائی انصاف و وقار کلام و فروتنی علمی جلوه‌گر می‌شود.





بنگاه‌های کوچک و کسب‌وکارهای خانوادگی، زیر فشار اتفاقات اخیر

وقتی اینترنت قطع می‌شود، دخل هم می‌خوابد

وعده دولت برای بنگاه‌های آسیب‌دیده



فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، حفظ اشتغال پایدار را یکی از اولویت‌های دولت عنوان کرده و از برنامه دولت برای حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط آسیب‌دیده از جنگ سخن گفته است. بر اساس این اظهارات، ۴۰۰ همت برای بنگاه‌های کوچک‌تر در نظر گرفته شده و بانک مرکزی با هماهنگی بانک‌های زیرمجموعه، متولی اجرای این حمایت خواهد بود. جزئیات اجرای طرح نیز قرار است از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام شود.

مهاجرانی همچنین گفته است هدف از این حمایت، حفظ جریان تولید و تأمین نقدینگی تولیدکنندگان است و تداوم تولید بخش خصوصی را یکی از عوامل جلوگیری از کمبود کالاهای اساسی در دوره جنگ دانسته است. در بخش دیگری از اظهارات او درباره بسته حمایتی کسب‌وکارها، سخنگوی دولت با اشاره به تفاوت شرایط فعلی با دوران کرونا گفته است در آن دوره مشکل اینترنت وجود نداشت، اما در شرایط کنونی اینترنت یکی از مسائلی است که به کسب‌وکارها فشار وارد کرده است. او از مصوبه دولت درباره وظایف دستگاه‌ها در شرایط محدودیت اینترنت نیز خبر داده است.

تأمین‌کننده مواد اولیه خرید می‌کند؛ فروشنده محصولات روستایی از تولیدکننده روستایی کالا می‌خرد؛ پیک و شرکت حمل‌ونقل از جابه‌جایی سفارش درآمد دارد و خانواده صاحب کسب‌وکار نیز به درآمد او وابسته است. بنابراین تعطیلی یک واحد کوچک، اگرچه درآمد کلان اقتصاد ممکن است کوچک به نظر برسد، در مقیاس محله و خانواده می‌تواند اثر بزرگی داشته باشد. این همان دلیلی است که دولت نیز در برنامه‌های اعلامی خود بر حفظ اشتغال پایدار تأکید کرده است.

بحران برای کسب‌وکار کوچک معمولاً با یک اتفاق بزرگ آغاز نمی‌شود. تعطیلی یک کارخانه بزرگ را همه می‌بینند، اما وقتی یک زن یا مرد در خانه تولیداتشان را متوقف می‌کند، وقتی فروشنده محصول مجبور می‌شود کالاهایش را با قیمت ناچیز بفروشد وقتی یک کارگاه کوچک پس از چند سال فعالیت مجبور می‌شود مغازه خود را به دلیل اجاره سنگین پس بدهد، این اتفاق‌ها کمتر در آمارهای روزانه دیده می‌شوند. با این حال، مجموع همین خسارت‌های کوچک است که می‌تواند اشتغال و درآمد خانوارهای زیادی را تحت تأثیر قرار دهد.

به تازگی دولت از اختصاص ۴۰۰ همت برای بنگاه‌های کوچک‌تر آسیب‌دیده از جنگ سخن گفته است، آزمون اصلی در مرحله اجراست؛ اینکه این منابع چقدر سریع، هدفمند و بدون بروکراسی فرساینده به دست کسب‌وکارهایی برسد که واقعاً آسیب دیده‌اند. برای صاحب یک کارگاه کوچک، ممکن است به اندازه یک تعطیلی کامل هزینه داشته باشد.

اگر قرار است این بنگاه‌ها بمانند، حمایت باید پیش از آنکه سرمایه‌شان تمام شود به آنها برسد، پیش از آنکه مشتریان‌شان را از دست بدهند. در نهایت، مسئله فقط نجات یک کسب‌وکار نیست، مسئله جلوگیری از خاموش شدن چراغ صدها هزاران واحد کوچکی است که شاید نامشان در فهرست بنگاه‌های بزرگ دیده نشود، اما درآمد یک یا چند خانواده به روشن ماندن همان چراغ وابسته است.

است. او این محصولات را با اتکا به وجود مشتری خریداری کرده بود، اما با قطع اینترنت از دست رفتن ارتباط با بخشی از مشتریان، امکان فروش آنها را از دست داد. بخشی از این محصولات در نهایت با قیمت بسیار پایین‌تر از ارزش واقعی فروخته شد و بخشی دیگر نیز به دلیل ماندگاری محدود، خراب و دور ریخته شد. اینجا یک خسارت دوگانه شکل گرفت فروشنده هم مشتری خود را از دست داد و هم کالایی که برای فروش آن هزینه کرده، ارزش خود را از دست داده است. برای کسب‌وکارهای کوچک که سرمایه در گردش محدودی دارند، چنین زبانی می‌تواند مستقیماً به معنای ناتوانی در خرید محموله بعدی باشد.

در سال‌های گذشته بسیاری از کسب‌وکارهای خانگی با حذف یا کاهش هزینه‌های سنگین راه‌اندازی فروشگاه فیزیکی، توانسته‌اند وارد بازار شوند. یک صفحه مجازی برای آنها می‌توانست همزمان نقش ویتزین، کاتالوگ، واحد فروش، محل ارتباط با مشتری و حتی کانال تبلیغاتی را ایفا کند.

اگر اینترنت قطع شود یا دسترسی به پلتفرمی که مشتریان در آن حضور دارند مختل شود، کسب‌وکار لزوماً امکان انتقال سریع مشتریان خود به جای دیگری را ندارد. مشتری ممکن است فروشنده دیگری پیدا کند، سفارش خود را لغو کند یا اساساً نتواند ارتباط بگیرد.

از تبلیغ نکردن تا از دست دادن مشتری

آسیب به کسب‌وکارهای کوچک را می‌توان در چند مرحله دید. مرحله اول، اختلال در تبلیغات است. کسب‌وکاری که تازه می‌خواهد شناخته شود، باید دائماً محصول خود را معرفی کند، عکس و ویدئو منتشر کند، مشتری جدید جذب کند و ارتباط خود را با مشتریان قبلی حفظ کند. قطع ارتباط، یعنی توقف این روند. مرحله دوم، اختلال در سفارش‌گیری است. حتی اگر مشتری محصول را بشناسد، باید بتواند سفارش دهد و فروشنده نیز پاسخگو باشد. مرحله سوم، از دست رفتن مشتری است. در بازار رقابتی، مشتری منتظر نمی‌ماند تا یک کسب‌وکار دوباره به حالت عادی برگردد. ممکن است برای تأمین نیاز خود سراغ فروشنده دیگری برود. مرحله چهارم، آسیب به نقدینگی است. وقتی فروش کم می‌شود اما هزینه‌های ثابت یا برجا هستند، بنگاه به سرعت وارد فشار مالی می‌شود. و در نهایت، مرحله پنجم می‌تواند تعطیلی باشد؛ به خصوص برای کسب‌وکارهایی که پست‌وانه مالی ندارند.

الته مشکلات امروز کسب وکارهای خرد از یک نقطه شروع نشده است. این بنگاه‌ها پیش از جنگ‌های تحمیلی اخیر نیز با تورم، افزایش هزینه مواد اولیه، رشد هزینه اجاره، کاهش قدرت خرید مردم و دشواری تأمین سرمایه در گردش مواجه بودند.

در چنین شرایطی، جنگ و محدودیت‌های ناشی از آن یک شوک جدید به بنگاه‌هایی وارد می‌کند که هنوز از شوک‌های قبلی خارج نشده‌اند.

این موضوع به ویژه درباره بنگاه‌های خانوادگی اهمیت دارد. در بسیاری از این واحدها مرز میان کسب‌وکار و معیشت خانوار بسیار باریک است. درآمد مغازه یا کارگاه، هزینه زندگی خانواده را تأمین می‌کند و گاهی خانه نیز محل فعالیت اقتصادی است. بنابراین تعطیلی یا کاهش فعالیت بنگاه فقط یک مسئله اقتصادی برای صاحب کسب‌وکار نیست، مستقیماً به زندگی خانوار منتقل می‌شود.

با وجود این فشارها، بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک برای بقا دست روی دست گذاشته‌اند. تغییر مسیر فروش، تلاش برای حفظ مشتریان قبلی، حرکت از فروش صرفاً آنلاین به فروش حضوری، اجاره مغازه، استفاده از کانال‌های ارتباطی جایگزین، کاهش هزینه‌ها، کوچک کردن فعالیت و حتی فروش کالا یا سود کمتر از جمله راه‌هایی است که کسب‌وکارهای خرد برای ادامه حیات در

پیش گرفته‌اند. بنگاه‌هایی که کالاهایش به دلیل قطعی اینترنت فاسد شده، الزاماً با همان نسخه‌ای نجات پیدا نمی‌کند که برای یک کارخانه آسیب‌دیده از جنگ مناسب است. یکی نیازمند سرمایه در گردش است، دیگری نیازمند معافیت یا تخفیف در هزینه‌های ثابت، دیگری نیازمند بازار فروش و دیگری یا زمند دسترسی پایدار به زیرساخت ارتباطی. به همین دلیل، حمایت از بنگاه‌های کوچک باید متناسب با نوع آسیب طراحی شود.

مسئله فقط صاحبان کسب‌وکار نیستند

هر کسب‌وکار کوچک یک زنجیره اشتغال و درآمد در اطراف خود دارد. تولیدکننده صنایع دستی از

کسب وکارهای کوچک معمولاً با سرمایه‌های بزرگ شروع نمی‌شوند؛ یک اتاق در خانه، یک کارگاه کوچک، چند ابزار، یک صفحه در شبکه‌های اجتماعی، تعدادی مشتری ثابت و گاهی یک سایت برای فروش. تمام سرمایه یک کسب‌وکار خانوادگی است. همین کسب‌وکارها اما در سال‌های اخیر بیش از آنکه فرصت رشد پیدا کنند، با سلسله‌ای از شوک‌ها مواجه شده‌اند؛ از کرونا و کاهش قدرت خرید گرفته تا محدودیت‌های اینترنتی، قطعی‌های مکرر، جنگ و نااطمینانی ناشی از شرایط اقتصادی.

به گزارش آگاه، برای یک بنگاه بزرگ، از دست رفتن چند روز فروش ممکن است در میان حجم بالای فعالیت قابل جبران باشد، اما برای یک فروشنده خانگی، تولیدکننده صنایع دستی یا عرضه‌کننده محصولات روستایی، چند روز یا چند هفته اختلال در ارتباط با مشتری می‌تواند به معنای از دست رفتن بازار باشد. کسب وکارهای خرد معمولاً انبار بزرگی ندارند، نقدینگی محدودی دارند و هزینه‌های جاری آنها مستقیماً از فروش روزانه یا ماهانه تأمین می‌شود. بنابراین وقتی فروش متوقف می‌شود، فشار فقط روی «درآمد» نمی‌ماند، اجاره، هزینه مواد اولیه، حقوق، حمل‌ونقل و حتی کالاهای فاسدشدنی نیز به بحران تبدیل می‌شوند. جنگ و اتفاقات اخیر، این وضعیت را برای بخشی از این کسب‌وکارها دشوارتر کرد. اینترنت برای بسیاری از آنها دیگر یک ابزار جانبی نیست بخشی از زیرساخت کسب‌وکار است. تبلیغ، معرفی محصول، ارتباط با مشتری، دریافت سفارش، پرداخت، ارسال عکس و ویدئو، پاسخگویی و حتی اعتمادسازی در بسیاری از موارد در فضای مجازی انجام می‌شود. وقتی این مسیر قطع یا ناپایدار می‌شود، عملاً بخشی از چرخه اقتصادی این کسب‌وکارها از کار می‌افتد. کسب‌وکارهای خانگی که توانسته بودند با اتکا به فضای مجازی فعالیت کنند، در پی قطعی‌های اینترنت با مشکل مواجه شده‌اند.

کسب‌وکاری که از اینستاگرام به مغازه رسید

روایت یکی از فعالان صنایع دستی، تصویری روشن از این وضعیت ارائه می‌کند. احسان مرادی که در زمینه تولید و فروش محصولات چوبی فعالیت دارد، سال‌ها تلاش کرده بود فروش خود را از طریق اینستاگرام، فضای مجازی و سایت توسعه دهد. اما مسدود شدن برخی سایت‌ها و قطعی‌های اینترنتی، ادامه این مسیر را برای او دشوار کرد. در نهایت برای اینکه وابستگی خود را به فضای مجازی کمتر کند، سراغ راه دیگری رفت و مغازه کوچکی در یک مجتمع تجاری نزدیک میدان فردوسی اجاره کرد، اما هزینه بالای اجاره باعث شد این راه حل نیز دوام زیادی نداشته باشد و تنها توانست حدود یک سال آن را ادامه دهد.

این تجربه نشان می‌دهد مسئله کسب‌وکارهای کوچک فقط انتخاب میان فروش اینترنتی و فروش حضوری نیست. یک فعال خرد ممکن است اصلاً توان پرداخت هزینه‌های سنگین یک واحد تجاری را نداشته باشد. فضای مجازی برای بسیاری از آنها در واقع راهی برای دور زدن هزینه‌های بالای اجاره بوده است؛ راهی که اجازه می‌داد یک تولیدکننده از خانه یا کارگاه کوچک خود، مشتری را در شهرهای مختلف پیدا کند.

ولی با از دست رفتن این امکان، صاحب کسب‌وکار ناچار می‌شود برای دسترسی به مشتری به بازار فیزیکی برگردد اما بازاریابی هزینه‌هایی دارد که ممکن است از توان یک بنگاه خرد خارج باشد. آسیب فقط مربوط به صنایع دستی و کالاهای ماندگار نیست. کسب‌وکارهای فعال در حوزه محصولات روستایی و غذایی نیز با مشکل جدی‌تری مواجه هستند چون بخشی از کالاهای آنها فاسدشدنی است. اکبر سلمانی، یکی از فعالان فروش محصولات روستایی است که کالاهای خود را از طریق فضای مجازی عرضه می‌کرد. او در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه «آگاه» از خرید زیاد محصولات، به ویژه لبنیات محلی، پیش از اتفاقات اخیر خبر داده

مسئله کسب‌وکارهای کوچک فقط انتخاب میان فروش اینترنتی و فروش حضوری نیست. یک فعال خرد ممکن است اصلاً توان پرداخت هزینه‌های سنگین یک واحد تجاری را نداشته باشد. فضای مجازی برای بسیاری از آنها در واقع راهی برای دور زدن هزینه‌های بالای اجاره بود

تشریح شرایط و هزینه اجاره صندوق امانت بانکی صندوق‌هایی برای امانت نزد بانک

صندوق امانات بانکی خدمتی برای نگهداری اسناد، اشیای ارزشمند و اموالی است که مشتری ترجیح می‌دهد آنها را در محیطی امن تر از محل زندگی یا کار خود نگهداری کند. اما پشت در این صندوق‌های کوچک، مجموعه‌ای از قواعد درباره هزینه اجاره، نحوه دسترسی، اقام قابل سپرده‌گذاری، کلیدها، مسئولیت مشتری و مهم‌تر از همه مسئولیت بانک و بیمه محتویات وجود دارد.

بررسی ضوابط اعلام شده از سوی بانک‌ها نشان می‌دهد صندوق امانت بانک در ابعاد و اندازه‌های مختلف به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط اجاره داده می‌شود و اجاره صندوق، ماهیتی کاملاً شخصی و اسمی دارد؛ به این معنا که اصل بر استفاده خود اجاره‌کننده از صندوق است. البته دریافت صندوق امانات به معنای آن نیست که تمام شعب یک بانک به این خدمت مجهز هستند. استقرار صندوق‌ها باید از نظر ایمنی شرایط لازم را داشته باشند و به همین دلیل صندوق‌های امانات معمولاً در شعب منتخب و در محل خزانه یا فضای مخصوصی که از نظر امنیتی شرایط لازم را دارد، مستقر می‌شوند.

علی نطافیان، کارشناس حقوق بانکی در این زمینه گفت: صندوق‌های امانات باید در محل خاصی قرار داشته باشند و اگر شعبه‌ای از نظر ایمنی، شرایط لازم را نداشته باشد، صندوق امانات در همان شعبه را اندازی می‌شود و اگر این شرایط وجود نداشته باشد، معمولاً صندوق‌ها در خزانه بانک و در شعبه مربوطه قرار می‌دهند. بر اساس مشاهدات میدانی خبرنگار ایسنا، ارائه صندوق امانات محدود به یک بانک خاص نیست، بلکه بانک‌های مختلف دولتی و خصوصی در این زمینه فعالیت می‌کنند اما همه بانک‌ها الزاماً صندوق امانات ندارند و راه‌اندازی آن به شرایط ایمنی و امکانات شعبه بستگی دارد. به این ترتیب، مشتری برای دریافت صندوق امانات باید ابتدا از وجود این خدمت در شعبه مورد نظر و همچنین موجود بودن صندوق خالی مطمئن شود؛ چراکه حتی در شعب دارای صندوق نیز ممکن است تمام ظرفیت‌ها در اختیار مشتریان قبلی باشد.

اجاره صندوق چقدر است؟

یکی از نخستین پرسش‌های مشتریان درباره صندوق امانات، هزینه استفاده از آن است؛ به عنوان مثال و بر اساس اطلاعات اعلام شده از سوی بانک‌ها، صندوق‌های اجاره‌ای در ابعاد مختلف ارائه می‌شوند و اجاره‌بها متناسب با حجم صندوق تعیین می‌شود.

در این راستا، بانک ملی در تعرفه اعلام شده برای صندوق‌های اجاره‌ای، مبنای محاسبه اجاره ر حجم صندوق قرار داده و حداقل اجاره بها و همچنین مبلغ ودیعه را نیز تعیین کرده است؛ بنابراین مبلغ پرداختی مشتری به اندازه صندوق انتخابی بستگی دارد و نمی‌توان رقم ثابت برای همه صندوق‌ها در نظر گرفت. مطابق آنچه این بانک در خصوص عملیات صدور سند اجاره (اجاره‌بها سالانه، ودیعه) اعلام کرده اجاره به ازای هر ساعتی متر مکعب حجم ۱۴۴ ریال و ودیعه اجاره بها هشت برابر مبلغ اجاره بها حداقل مبلغ ۴۸۰ هزار تومان است.

همچنین هر بار استفاده از صندوق برابر با ۶۰ هزار ریال محاسبه می‌شود و مفقودی کلیدها (تمامی هزینه‌های مربوط به قفل‌ها و کلیدها) برابر با ۱۴۴ هزار ریال است. همچنین تخلیه و تحویل صندوق بدون کارمزد تعیین شده است.

در کنار اجاره بها، متقاضی باید درباره مبلغ ودیعه، نحوه بازپرداخت آن در پایان قرارداد و سایر هزینه‌های احتمالی نیز از شعبه سؤال کند. از سوی دیگر، افتتاح حساب برای متقاضی استفاده از صندوق اجاره‌ای بانکی الزامی اعلام شده است؛ بنابراین دریافت صندوق صرفاً با مراجعه به شعبه و پرداخت اجاره امکان‌پذیر نیست و متقاضی باید شرایط بانکی مربوط به افتتاح حساب را نیز رعایت کند. یکی از نکات قابل توجه در سازوکار صندوق‌های امانات بانک، استفاده از دو قفل برای هر صندوق است؛ یک قفل متعلق به مشتری و یک قفل متعلق به بانک خواهد بود.

طبق ضوابط بانکی، هر یک از این قفل‌ها دارای یک کلید اصلی و یک کلید یکی است و هر دو کلید مربوط به قفل مشتری در زمان اجاره به وی تحویل داده می‌شود. بدون استفاده همزمان از کلید قفل بانک و کلید قفل مشتری باز نخواهد شد.

بر این اساس، کلیدی که در اختیار فرد قرارداد، فقط توسط همان فرد قابل استفاده است و سیستم بانک نمی‌تواند با آن کلید وارد صندوق شود. از سوی دیگر در ضوابط بانک‌ها نیز تصریح شده است که بدون کلید مشتری، صندوق قابل باز شدن نیست و در صورت مفقود شدن کلیدهای مشتری، فرآیندهای خاصی برای تعویض قفل یا باز کردن صندوق پیش‌بینی شده است.

بر این اساس، اگر هر دو کلید مشتری به دلیل عدم مراقبت وی، مفقود شود و بانک ناچار به شکستن صندوق باشد، هزینه‌های مربوط به قفل، کلیدها، تعمیر و رنگ صندوق بر عهده مشتری خواهد بود. همچنین در صورت مفقودی یکی از کلیدها، مشتری باید بلافاصله بانک را مطلع کند تا قفل صندوق با حضوری تعویض شود و هزینه‌های مربوط نیز طبق تعرفه بانک از مشتری دریافت خواهد شد.

چه چیزهایی را می‌توان داخل صندوق گذاشت؟

صندوق امانات برای نگهداری اشیاء و اسنادی است که متناسب با حجم صندوق باشد. اما این اختیار مطلق نیست. به طور نمونه طبق مقررات بانک ملی، مشتری می‌تواند اشیاء و اسناد متناسب با حجم صندوق را در آن قرار دهد. مشروط بر اینکه این اشیاء در اثر نفوذ یا علل دیگری به صندوق یا خزانه بانک خسارت وارد نکنند. در عین حال، اقلامی که ماهیت غیر قانونی یا خطرناک دارند، نمی‌توانند موضوع استفاده از صندوق امانات باشند.

تصور عمومی از صندوق امانات بیشتر به نگهداری طلا، سکه و جواهرات مربوط می‌شود، اما مقررات صندوق دامنه گسترده‌تری دارد و اسناد و مدارک نیز می‌توانند در آن نگهداری شوند. در عین حال، مشتری باید توجه داشته باشد که صندوق امانات محل نگهداری اقلام غیر قانونی یا موادی که می‌توانند به خزانه یا صندوق آسیب بزنند نیست و مسئولیت خسارت ناشی از قرار دادن اشیای نامناسب نیز می‌تواند متوجه مشتری باشد. طبق مقررات، هر خسارتی که در نتیجه نگهداری اشیای نامناسب یا تحت عناوین مقرر در قرارداد به بانک وارد شود، بر عهده مشتری خواهد بود.

صندوق امانات؛ امنیت در برابر معرمانگی

آنچه صندوق امانات بانکی را از سایر خدمات بانکی متمایز می‌کند، همین تعادل میان دو اصل امنیت و معرمانگی است. بانک باید محیطی امن برای نگهداری صندوق فراهم کند، اما در عین حال نباید از محتویات آن اطلاع داشته باشد.

همین ویژگی نیز موضوع بیمه محتویات را به مسئله‌ای پیچیده تبدیل کرده است؛ زیرا بیمه‌گر برای تعیین ارزش بیمه شده معمولاً به اطلاعاتی درباره مال مورد بیمه نیاز دارد، در حالی که فلسفه صندوق امانات بر این استوار است که محتویات آن نزد مشتری محرمانه بماند. در نتیجه، برای متقاضیان صندوق امانات، فقط قیمت اجاره اهمیت ندارد؛ بلکه باید پیش از امضای قرارداد درباره مبلغ ودیعه، نحوه دسترسی، تعداد و وضعیت کلیدها، هزینه مفقودی کلید، شرایط اعطای وکالت، اقام ممنوع، میزان مسئولیت بانک و وضعیت بیمه محتویات نیز اطلاع دقیق کسب شود.



روزنامه
۶۳۸

کاغذی

نسخه سنگاپور؛ روزی یک ربع تا پنج سال کتاب بخوانید

هفته گذشته سنگاپور یک برنامه ملی پنج ساله برای کتابخوان تر شدن مردمش شروع کرد؛ با یک درخواست خیلی ساده؛ هر روز فقط ۱۵ دقیقه کتاب بخوان.
برنامه ReadSG زیرساخت ساده‌ای فراهم کرده تا مردم زمان مطالعه‌شان را ثبت کنند، زنجیره روزهای مطالعه‌شان را ببینند، امتیاز و سکه مجازی بگیرند و در بعضی برنامه‌ها پاداش هم دریافت کنند.
هدف گام اول این است که تا سال آینده ۱۵۰ هزار نفر (حدود ۲۰ درصد جمعیت این کشور کوچک) وارد چالش کتابخوانی شوند. سنگاپور از امسال سپتامبر (ماه ملی خواندن) اعلام کرده و بیش از ۴۰هزار پاداش کارآورده؛ از کتابخانه و آموزش و پرورش تا ناشر، رسانه و مراکز سالمندان.
نکته مهم این است که برنامه فقط نمی‌گوید «بیشتر کتاب بخوانید»؛ برای خواندن هدف روزانه، ثبت پیشرفت، تداوم، امتیاز و پاداش تعریف کرده است. نکته آموزنده سنگاپور شاید همین سادگی عملی باشد؛ یک رفتار مشخص را انتخاب کن و برای استمرارش سازوکار بساز. برای ترویج کتابخوانی، گاهی ساختن یک «عادت کوچک» از یک «شعار بزرگ» موثرتر است.

پادری سنگی راهی ساده برای ماساژ روزانه کف پا

به گفته یک پزشک و مشاور سبک زندگی سالم، اگر به دنبال یک پادری طبی هستی، «پادری‌های سنگی» را انتخاب کنی. برای تولید این مدل پادری‌ها از قلوه‌سنگ‌های کوچکی استفاده می‌شود که وقتی روی آن بایستی، کف پاتان ماساژ می‌گیرد؛ دقیقاً مشابه ماساژ فلکسولوژی.
در روزهای اول ورود انواع پادری به بازارهای ایران، از این کار بالا پزیشگری از ورود آلودگی به داخل خانه استفاده می‌شد. براین اساس، پادری‌ها شکل و ظاهر خوشایندی نداشتند و بیشتر کاربردی بودند. اما به‌مرور با بیشتر شدن تقاضای کاربران برای خرید انواع پادری برای قسمت‌های مختلف خانه، تولیدکنندگان سعی در طراحی و تولید طرح‌ها و مدل‌های مختلف پادری در اشکال هندسی و با جنس‌های مختلف کردند که البته انتخاب درست آنها در دکوراسیون داخلی خانه‌ها نیز اهمیت بالایی دارد.
انواع پادری گرد تا مستطیل با جنس مکت، فرش، نمدی، پلاستیکی و سنگی وجود دارد که اتفاقاً نوع سنگی آن با خواص طبی می‌تواند اثرات خوبی برای ماساژ کف پاها داشته باشد.

دکتر مجتبی کرپاسی، پزشک و مشاور سبک زندگی سالم به خبرنگاران می‌گوید، پادری‌های سنگی معمولاً از سنگ‌ریزه‌های رودخانه‌ای (قلوه‌سنگ صاف) که روی یک سطح پلاستیکی، پارچه‌ای یا لاستیکی چسبانده شده‌اند، ساخته می‌شوند که وقتی رویشان می‌ایستی، کف پاتان ماساژ می‌گیرد، درست مثل ماساژ فلکسولوژی.

در اثر ایستادن روی پادری‌های سنگی، گردش خون در کف پا تحریک می‌شود. احساس گرما و سبکی بعد از چند دقیقه استفاده، سبب استراحت و ایجاد آرامش در فرد می‌شود. برای دستیابی به این آرامش، روی سنگ‌ها پابرهنه یا با جوراب نازک بایستی. بهتر است برای برقراری تعادل به دیوار یا کمد و کابینت تکیه دهی.

هر بار که از روی این قبیل پادری هارد می‌شوی، روزانه چند نوبت، ۱ تا ۲ دقیقه روی سنگ‌ها آرام قدم بزنید یا ثابت بایستید. بهتر است در ابتدای زمان استفاده کوتاه باشد. پس از مدتی، اگر اذیت نشدید، تا حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه می‌توانید این روند را ادامه دهید. اگر درد تیز یا شدید حس کردید، این روند را قطع کنید؛ چون نباید درد آزاردهنده باشد. از فشار خیلی زیاد و پرش روی آن خودداری کنید. اگر کف پاتان خیلی حساس است، ابتدا با جوراب نازک امتحان کنید.

البته گروهی از افراد بهتر است از این روش استفاده نکنند. افراد مبتلا به دیابت یا نورپاتی (کاهش شدید حس کف پا)، مبتلایان به مشکلات جدی کف پا مانند التهاب شدید، خراپاشنه دردناک، شکستگی و زخم و کسانی که پوکی استخوان شدید یا دردهای شدید مفصلی دارند، نباید از این پادری‌ها استفاده کنند.



هشدار نارنجی بارش‌های شدید در ۱۴ استان

سازمان هواشناسی نسبت به بارش‌های سیل‌آسا در ۱۴ استان کشور از جمله در ارتفاعات تهران هشدار نارنجی صادر کرد.
بر اساس نقشه‌های همدیدی و آینده نگری هواشناسی امروز سه شنبه در ارتفاعات واقع در خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان افزایش ابرو رگبار پرکننده انتظار می‌رود. چهارشنبه در نیمه غربی کشور جو آرام همراه با افزایش نسبی دما مستقر شده و وزش باد در شرق ادامه دارد.
بعد از ظهر پنجشنبه با نفوذ جریانات شمالی به غرب دریای کاسپین ابرناکی، بارش، وزش باد و کاهش نسبی دما در گیلان و شرق اردبیل آغاز می‌شود. روز جمعه در اردبیل، گیلان، مازندران، ارتفاعات البرز مرکزی و برخی مناطق شمال غرب ایران افزایش ابر، رگبار باران گاهی همراه با آذرخش و وزش باد روی می‌دهد. امروز فردا چهارشنبه شرق خلیج فارس و تنگه هرمز مواج است.

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمد مهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
دبیر تحریریه: رضا ظریفی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی **سیاست** | سید مرتضی مفیدنژاد **پرونده‌های ویژه**
مجتبی مهدی محمد فرهنگ



<div><div>📅</div><div><div>۲۴ شهریور ماه ۱۴۰۵</div><div>۳ ربیع الثانی ۱۴۴۸</div></div></div> <div><div>۱۵ سپتامبر ۲۰۲۶</div></div>		
<div><div>🕒</div><div>خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان این سینا</div></div>		
<div><div>☎️</div><div>۰۲۱-۹۴۰۰۴۷۱۶ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۱۳</div></div>		
<div><div>🌐</div><div>www.Agaah.ir</div></div>	<div><div>✉️</div><div>m@agaah.ir</div></div>	<div><div>📷</div><div>agaah_ir</div></div>
<div><div>🕒</div><div>اذان صبح ۰۴:۲۱</div></div>	<div><div>🕒</div><div>اذان ظهر ۱۲:۰۰</div></div>	<div><div>🕒</div><div>اذان مغرب ۱۸:۳۱</div></div>
<div><div>🕒</div><div>نیمه‌شب شرعی ۲۳:۱۷</div></div>		



جاذبه‌های تاریخی و طبیعی ارس

منطقه ارس با برخورداری از آثار تاریخی ارزشمند و چشم‌اندازهای طبیعی متنوع، مجموعه‌ای از جاذبه‌های گردشگری شمال غرب ایران را در خود جای داده است. پل ضیاءالملک، کلیساهای تاریخی سنت استپانوس و چوپان، پل آهنی ارس و چشم‌اندازهای ژئوپارک ارس، بخشی از ظرفیت‌های تاریخی و طبیعی این منطقه را به نمایش می‌گذارند.

عکس: مینانوعی /مهر

برنامه‌ریزی سفر با هوش مصنوعی ساده‌تر می‌شود

هوش مصنوعی مولد می‌تواند برنامه‌ریزی سفر را برای مسافران سردرگم آسان‌تر کند. پژوهش جدیدی از دانشگاه سوری نشان می‌دهد که هوش مصنوعی مولد می‌تواند به مسافران کمک کند افکار خود را سامان دهند. گزینه‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کنند و برنامه سفر خود را به سرانجام برسانند؛ برنامه‌هایی که ممکن بود به دلیل دشواری و پیچیدگی کنار گذاشته شوند.

پژوهش جدیدی از دانشگاه سوری نشان می‌دهد که هوش مصنوعی مولد می‌تواند به مسافران کمک کند افکار خود را سامان دهند. گزینه‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کنند و برنامه سفر خود را به سرانجام برسانند؛ برنامه‌هایی که ممکن بود به دلیل دشواری و پیچیدگی کنار گذاشته شوند. پژوهشگران از دانشگاه سوری نشان می‌دهد که هوش مصنوعی مولد می‌تواند به مسافران کمک کند افکار خود را سامان دهند. گزینه‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کنند و برنامه سفر خود را به سرانجام برسانند؛ برنامه‌هایی که ممکن بود به دلیل دشواری و پیچیدگی کنار گذاشته شوند.

پژوهشگران از دانشگاه سوری نشان می‌دهد که هوش مصنوعی مولد می‌تواند به مسافران کمک کند افکار خود را سامان دهند. گزینه‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کنند و برنامه سفر خود را به سرانجام برسانند؛ برنامه‌هایی که ممکن بود به دلیل دشواری و پیچیدگی کنار گذاشته شوند.

ساعت‌های هوشمند، کالری‌سوزی را بیش از حد تخمین می‌زنند

ساعت هوشمند ممکن است کالری‌سوزی بیشتری برای تمرین ورزشی شما نسبت به آنچه که واقعاً کسب کرده‌اید، نشان دهد. به گزارش هلت دی نیوز، محققان ۵۸ هزار گسال را که چهار ساعت هوشمند محبوب را به دست داشتند، در یک تمرین دوچرخه‌سواری شرکت دادند و سپس تخمین‌های کالری آنها را با اندازه‌گیری‌های بالینی مصرف کالری واقعی مقایسه کردند. نتیجه، هر ساعت خطاهای قابل توجهی را نشان داد، معمولاً حدود ۲۵ تا ۱۵ درصد اختلاف. اپل

مهارت

اگر آب زیرکولر ماشین جمع شد نگران نباشید تخلیه آب، نشانه سلامتی است

جمع شدن آب زیر خودرو بعد از روشن کردن کولر معمولاً طبیعی است و نشانه تخلیه رطوبت از سیستم تهویه مطبوع محسوب می‌شود. این آب تمیز، بی‌رنگ و بی‌بو است و از لوله درین کولر به زیرشاسی می‌ریزد. فقط نفوذ آب به کابین یا نشن مایعات رنگی نشانه خرابی است. اگر بعد از چند دقیقه استفاده از کولر، زیر خودرو لکه‌آب دیدید، احتمالاً لکه‌ای طبیعی‌ترین رفتارهای سیستم تهویه مطبوع روبه‌رو هستید. در این مطلب توضیح می‌دهیم چرا آب زیر ماشین جمع می‌شود، چه زمانی طبیعی است، چه زمانی نشانه خرابی است و چگونه آب کولر را از نشتی ضدیخ، روغن یا مایعات دیگر تشخیص دهید.

■ **آب زیر خودرو بعد از کولر:** تقطیر رطوبت هوای رطوبت از لوله درین.
■ **آب کولر:** شفاف، بی‌بو، رقیق و بدون چربی.
■ **نشانه خرابی:** آب داخل کابین، خیس شدن کف پوش، بوی رطوبت یا بخار گرفتن

شیعه‌ها.
■ **نشانی خطرناک:** مایع رنگی، روغنی، لغزنده یا دارای بوی تند.

هنگام کار کردن کولر، هوای گرم و مرطوب وارد سیستم تهویه می‌شود. این هوا از روی فین‌های بسیار سرد اواپراتور عبور می‌کند و رطوبت موجود در آن، مثل قطرات شبنم روی لیوان آب یخ، به مایع تبدیل می‌شود. آب جمع‌شده در محفظه اواپراتور



سیدمحمد سادات‌اخوی / نشرپرنده

بزرگان گفته‌ن که... حساب و کتاب خدا در ازدواج کسانی که باهاش «قرار» و «قرارداد» داشته‌ن، موشکافانه‌تره».

گاهی کنار کسانی می‌ذاردت تا... لذت از «دنیا»ی معنوی‌ت ببری و همین‌رو به دیگران چشموتی... گاهی کنار کسی می‌ذاردت تا... (با سختی رفتارش)، تنبیهت کنه و درنتیبه، «رشد» کنی...

گاهی کنار کسی می‌ذاردت تا... به خیر ذاتی طرف، انگیزه عشق تو رو بیخشه... هم او شتاب ووسعت بگیره... هم تو در خیرهای او شریک بشی مفتکی!

گاهی کنار کسی می‌ذاردت تا... دهن‌ت رو شبیه او کنه و دنیا رو از چشم‌ت بندازه... گاهی کنار کسی می‌ذاردت تا... او جشن رو ببینی و تعریف‌ت رو از بزرگی و بزرگواری، ارتقا بدی.

خلاصه که، گمون نکن... بعد از قرار عاشقی با خدا... حتمی و قطعی قراره به زندگی معمولی، آرام و عشق و حال ی داشته باشی رفیق! اگه «سپردی» اعتماد هم بکن!... دُخه درینار!

تبلت‌های جدید شیائومی معرفی شدند

شیائومی هفته گذشته در مراسمی تبلت «پد ۹ پرومکس» را معرفی کرد اما نسخه‌های کوچک‌تر این دستگاه نیز بی‌سروصدا رونمایی شدند. به گزارش کیمزوچاینا، شیائومی اکنون پد ۹ و پد ۹ پرو را در چین با ظرفیت باتری بالا، نمایشگرهایی با نرخ نوسازی بالا و تراشه‌های اسنپدراگون عرضه کرده است. در این دستگاه‌ها، برخلاف پد ۹ پرو مکس، از تراشه XRING O۳ شیائومی استفاده نشده است. هر دو تبلت به نمایشگر LCD با وضوح ۳,۲۴.۱۲۴.۱۲۴ نوسازی ۱۴۴ هرتز، عمق رنگ ۱۲ بیتی و پوشش DCI-P۳ مجهز شده‌اند و از استانداردهای HDR۱۰ و HDR Vivid و همچنین قابلیت دالبی ویژن پشتیبانی می‌کنند.

شیائومی همچنین گواهی‌نامه‌های مربوط به راحتی چشم، از جمله سازگاری با محیط زیست، بدون سوسوزدن و نور آبی کم در سطح سخت‌افزار را برای هر دو دستگاه در نظر گرفته است. قابلیت لمس مربوط به نیر باغ می‌شود نمایشگر حتی در صورت خیس بودن دست کاربر، به لمس‌ها واکنش نشان دهد. نرم‌افزارهای مورد استفاده در هر دو دستگاه نیز یکسان است. WPS برای انجام فعالیت‌های اداری، CapCut Pro برای ویرایش ویدئو و پشتیبانی از قلم نغناطیسی شیائومی و صفحه‌کلید شناور یا طراحی مشابه به رایانه، از جمله امکانات این دو تبلت هستند.

تفاوت اصلی پد ۹ و پد ۹ پرو به اندازه نمایشگر، باتری و مشخصات سخت‌افزاری آنها مربوط می‌شود. پد ۹ پرو به نمایشگر ۱۲.۵ اینچی و پد ۹ به نمایشگر ۱۱.۲ اینچی مجهز است. نمایشگر هر دو دستگاه LCD با عمق رنگ ۱۲ بیتی و نرخ نوسازی ۱۴۴ هرتز است.

از نظر تراشه نیز پد ۹ پرو به پلتفرم Gen A Snapdragon ۵۰کالکام با پردازنده هشت‌هسته‌ای سه‌نانومتری مجهز شده، در حالی که پد ۹ از تراشه Snapdragon ۴As استفاده می‌کند.

پد ۹ پرو یک باتری ۱۱ هزار میلی‌آمپر ساعتی دارد و ظرفیت باتری پد ۹ نیز ۹ هزار و ۷۲۰ میلی‌آمپر ساعت است. پد ۹ پرو با وزن ۵۸۰ گرم و ضخامت ۵.۸ میلی‌متر، از پد ۹ با وزن ۴۸۵ گرم و ضخامت ۵.۷۵ میلی‌متر سنگین‌تر است. پد ۹ پرو به دوربین اصلی ۵۰ مگاپیکسلی با قابلیت فیلم‌برداری ۴K و دوربین سلفی ۳۲ مگاپیکسلی مجهز شده است. پد ۹ نیز دوربین اصلی ۱۳ مگاپیکسلی و دوربین جلویی ۸ مگاپیکسلی دارد.



مدیریت خشم و هیجان کودکان با بازی

دیدن کودکی که صورتش از خشم برافروخته شده، مشت هایش گره‌گرفته و با فریاد یا کوبیدن پا به زمین رفتافتش را ابراز می‌کند، برای هر والدینی لحظه‌ای چالش‌برانگیز است.

ما گاهی این خشم را به پای سرکشی می‌گذاریم، اما واقعیت این است که برای کودک، خشم یک زبان ابتدایی، اما پر فشار است؛ زمانی که واژگان برای بیان «نه!» یا «من این را می‌خواهم» کم می‌آورد، بدن کودک با خشم حرف می‌زند. در این لحظات، فرزند ما در واقع در یک طوفان عصبی گرفتار شده که خودش هم از آن می‌ترسد. وظیفه ما در این میدان، «پلیس» بودن نیست؛ ما باید «لنگرها» باشیم. هدایت خشم نه به معنای سرکوب آن، بلکه به معنای باز کردن مسیری امن است تا این انرژی پرخاشگر، به مهارت‌های سازنده تبدیل شود. وقتی به جای ترسیدن از خشم کودک، به او ابزارهای کنترل‌اش را می‌آموزیم، در واقع به او قدرت مدیریت خوشتن را هدیه می‌دهیم. این سه ابزار نقشه راه بدن برای عبور از طوفان‌های عصبی و بازگشت به ساحل امنیت است؛

۱- تنفس (خروج از وضعیت قرمز)

نفس عمیق، سریع‌ترین ابزار فیزیولوژیک برای خروج از حالت «جنگ یا گریز» و بازگشت به تعادل است. وقتی کودک می‌آموزد با تنفس آگاهانه به قفسه سینه خود شکم خود بسط پاید، در واقع به مغز خود فرمان می‌دهد که «خطر رفع شده است». برای این کار، به بدن این عادت، از این تمرین «چهار مرحله‌ای» استفاده کنید؛

۱. کودک را تشویق کنید در وضعیتی راحت یا ستون فقرات صاف قرار بگیرد.
۲. دم عمیق از بینی، به گونه‌ای که بالا آمدن شکم را حس کند.
۳. حبس کوتاه نفس (برای ۲ ثانیه) به منظور تمرکز بر لحظه.
۴. خروج هوا از دهان با فشار ملایم، همراه با رها کردن شانه‌ها.

۲- تخلیه (تغییر مسیر انرژی عضلانی)

خشم، انرژی نرفته‌ای است که باید به شکل سالم تخلیه شود. تمرین «هل دادن دیوار» یک راهکار ایمن و متربک عالی برای تخلیه این انرژی پیش از بروز رفتارهای آسیب‌زا است. وقتی کودک خشمگین است، از او بخواهید با تمام توان، کف دست هایش را به دیوار فشار دهد. این انقباض عضلانی، فشارهای درونی بدن را به بیرون هدایت می‌کند و با فاصله پس از رها کردن دست‌ها، احساس سبکی و تخلیه تنش در کودک ایجاد می‌شود. این تمرین، آگاهی بدنی او را افزایش داده و به او می‌آموزد که «هیجان، یک انرژی فیزیکی است که می‌توان آن را مدیریت کرد.»

۳- حریم (تعریف مرزهای شخصی)

آرامش روانی در گرو شناخت حریم شخصی است. فعالیت «دایره دوستان»، ابزاری بصری برای درک مرزهای اجتماعی از سه تا ۱۵ سالگی است. در این فعالیت، کودک خود را در مرکز یک صفحه ترسیم می‌کند. دایره‌های متحدالمرکز به ترتیب نزدیک عاطفی (خانواده، دوستان صمیمی، آشنایان و غریبه‌ها) طراحی می‌شوند. این ترسیم، بسترنماسبی برای گفت‌وگوهای حساس در مورد «حریم بدن» و «امنیت شخصی» فراهم می‌کند تا کودک بداند در هنگام ترس یا تزدید، باید به چه کسی تکیه کند و کجا مرزهای خود را سخت و سخت نگه دارد. مهارت‌های تنظیم هیجان، یک شبه آموخته نمی‌شوند. تداوم ما در اجرای این تمرینات، پیام ضمنی مهمی برای فرزندمان دارد: «احساسات تو معتبرند و تو برای مدیریت آنها تنها نیستی.» اولین و مهم‌ترین مدرسه برای تمرین حضور در لحظه است.